

نگاهی به نیروی کار و ساختار طبقاتی در کشور

احمد فرهادی

۲۰ آبان ۱۳۸۵

نوشته‌ی حاضر دومین بخش از یک کار ۳ بخشی است که در رابطه با کار برای تدوین اسناد پایه‌ای صورت می‌گیرد و ویژه‌ی نیروی کار در کشور است. بخش نخست زیر عنوان "نگاهی به کشور با عینک آمار" بیشتر انتشار یافت. امیدوارم رفقا و دوستان دست اندرکار، زحمت رفع اشکالات و کمبودها را کشیده و به تکمیل و ادامه‌ی کار همت بگذارند. سخن را کوتاه می‌کنم و پس از چند توضیح به اصل موضوع می‌پردازم:

۱ - منبع همه‌ی داده‌های آماری "مرکز آمار ایران" است. بسیاری از آنها از پایگاه مجازی این موسسه، به نام "درگاه ملی آمار" با نشانی www.sci.org.ir، برگرفته شده‌اند و برخی از انتشارات سالهای پیشین "مرکز آمار ایران".

۲ - اختلاف در سرجمع‌ها، عمدتاً ناشی از سرراست کردن (روند کردن) ارقام است.

۳ - در مورد آمارهای مربوط به نیروی کار مربوط به سرشماری سال ۱۳۴۵، در نشریات منتشره در سال‌های متفاوت از سوی مرکز آمار ایران، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. تعداد نیروی شاغل در مقطع این سرشماری، در نشریات متقدم ۶۸۵۸ هزار نفر و در نشریات متاخر ۷۱۱۶ هزار نفر آمده و طبقه‌بندی‌های زیر گروه‌های مربوطه برپایه‌ی این دو رقم متفاوت صورت گرفته است. این اختلاف در کارهای محققان نیز انعکاس یافته است. (بعنوان نمونه در کتاب "تحولات اقتصادی ایران" اثر ارزشمند آقایان دکتر علی قنبری و دکتر حسین صادقی، منتشره در سال ۱۳۸۶). در نوشته‌ی حاضر من آخرین آمار منتشره و ۷۱۱۶ هزار نفر شاغل را مبنا گرفته‌ام، ولی ممکن است در طبقه‌بندی‌ها اشکالات و بی‌دقتی‌هایی متأثر از تفاوت بالا وارد شده باشد.

۴ - بررسی نیروی کار، یعنی بررسی جمعیت کشور در رابطه با کار، می‌تواند در زمینه‌های مختلفی صورت پذیرد. در این نوشته، که کوشش شده تا جایی که شدنی هست کوتاه باشد، به آمارهای ۶ سرشماری در سه زمینه‌ی کلی پرداخته شده است. در بند ۱ به "جمعیت در سن کار"، "جمعیت فعال"، "جمعیت غیرفعال"، "جمعیت شاغل"، "جمعیت بیکار" و شاخص‌های کلی مربوطه در سطح کل کشور، به تفکیک "شهر و روستا" و به تفکیک "زنان و مردان" و ارائه‌ی یک تصویر کوتاه از استانها پرداخته شده است. بند ۲ نگاهی دارد به شاغلین در رابطه با بخش‌های عمده‌ی اقتصادی (کشاورزی - صنعت - خدمات)، گروه‌های عمده‌ی شغلی (مدیران، متخصصان، کارمندان و غیره)، وضع شغلی (کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزدو حقوق بگیران و غیره)، و وضع سواد. در پایان در بند ۳ وضعیت آماری طبقات اجتماعی و رابطه‌ی آن با بخش‌های عمده‌ی اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. هدف این نوشته ارائه‌ی یک تصویر کلی از نیروی کار در کشور است. بحث عمیق‌تر در این مورد در صلاحیت متخصصان است.

۵ - برای پرهیز از درازی نوشته، بخش جداگانه‌ای به تعاریف اختصاص داده نشده، ولی برای آغاز بحث، بهتر است چند مقوله پیشاپیش تعریف شوند.

- **کار:** کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیر نقدی) انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد.

- **سن کار:** در ایران حداقل سن قانونی اشتغال به کار ۱۰ سال می‌باشد و حداکثری برای آن مشخص نشده است.

- **جمعیت شاغل:** افرادی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن کار می‌کنند، شاغل محسوب می‌شوند.

- **جمعیت بیکار:** افرادی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن کار نمی‌کنند ولی در جستجوی کار هستند.

- **درصد بیکاری:** نسبت جمعیت بیکار در جستجوی کار به جمعیت فعال.

- **جمعیت فعال:** آن بخش از جمعیت که در سن کار قرار دارد و شاغل است یا بیکار در جستجوی کار.

- **جمعیت غیرفعال:** جمعیت غیرفعال از دو بخش تشکیل می‌شود، جمعیت زیر سن قانونی کار (زیر دهساله)، و آن بخش از جمعیت که در سن کار قرار دارد ولی شاغل نبوده و در جستجوی کار نیز نیست (مانند محصل، بازنشسته، خانه‌دار)

- **میزان فعالیت عمومی:** نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت.

- **میزان مشارکت:** نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر

- **ضریب اشتغال:** نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت.

- **بار تکفل:** نسبت جمعیت غیرفعال به جمعیت شاغل.

نگاهی کلی

ایران با جمعیتی زیر ۱۰ میلیون نفر پا به سدهی چهارده هجری شمسی نهاد و هنوز ۱۵ سال مانده به پایان سده، جمعیتش مرز ۷۰ میلیون را پشت سر گذاشت، یعنی طی ۸۵ سال جمعیت کشور بیش از ۷ برابر شد. نیروی کار نیز با این رشد شتابان همراهی کرده است. در آبان‌ماه سال ۱۳۸۵، از ۷۰/۵ میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۶۰ میلیون نفر در گروه سنی کار (۱۰ ساله و بیشتر) قرار داشت، ۲۰/۵ میلیون نفر شاغل، ۳ میلیون نفر بیکار بودند، یعنی جمعاً ۲۳/۵ میلیون نفر به لحاظ اقتصادی فعال محسوب می‌شدند.

بررسی شاخص‌های نیروی کار در مقطع ۶ سرشماری نشان می‌دهند در ۳۰ ساله‌ی بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ رشد کل جمعیت و رشد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر تقریباً مساوی هم بوده ولی در بیست ساله‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، نرخ رشد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، نرخ رشد کل جمعیت را پشت سر گذاشته است. می‌توان گفت در بیست ساله‌ی آخر فاز جوان‌تر شدن جمعیت رو به سپری گشتن بوده است. جمعیت کل کشور از ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ با افزایش ۴۳ درصدی به ۷۰/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده، در حالی‌که جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر از ۳۳ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ با افزایش ۸۱ درصدی به ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

میزان فعالیت عمومی، که از سال ۱۳۳۵ به بعد مرتب کاهش یافته و از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده بود و نشان از کاهش جمعیت فعال در کل جمعیت داشت، از ۱۳۶۵ به بعد شروع به افزایش کرده و در سال ۱۳۸۵ به ۳۳/۳ درصد رسید. در همین راستا بار تکفل، که پس از ۱۳۳۵ مرتب افزایش یافته بود، و نشان می‌داد شاغلین سال به سال تکفل تعداد بیشتری را عهده‌دار می‌شوند، از ۱۳۶۵ به بعد شروع به کاهش کرد و از رقم ۳/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۲/۳ در سال ۱۳۸۵ رسید.

در رابطه با ناگرها و شاخص‌های بالا باید توجه داشت که پایین بودن میزان فعالیت عمومی و بالا بودن "بار تکفل"، هم می‌تواند نتیجه‌ی روندهای منفی در جامعه و در روند گسترش نیروی کار باشد، مانند دور ماندن بخش بزرگی از زنان از بازار کار، و هم می‌تواند نتیجه‌ی روندهای مثبت باشد، مانند افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان.

مقایسه‌ی شاخص میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر) در مقطع ۶ سرشماری نشان می‌دهد که این شاخص نیز با تاخیری ۱۰ ساله روند افزایش را در پیش گرفته ولی هنوز به سطح سال ۱۳۵۵ نرسیده است. ضریب اشتغال، که همپای دیگر شاخص‌ها، طی ۳۰ سال بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ روند منفی طی کرده بود، در ۲۰ ساله‌ی آخر روند مثبتی را طی کرده و به رقمی بالاتر از سال ۱۳۵۵ رسیده است.

درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)، روند تا حدودی متفاوت و موجی را طی کرده است. این شاخص، که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ مرتب افزایش یافته و به رقم ۱۴/۲ درصد رسیده بود، در فاصله‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ کاهش یافت و به رقم ۹/۱ درصد رسید ولی مجدداً روند افزایش را در پیش گرفت و در سال ۱۳۸۵، با رقم ۳ میلیون نفر بیکار، به ۱۲/۷ درصد رسید، که با کنار گذاشتن سال ۱۳۶۵ از مقایسه، به دلیل درگیر بودن کشور در جنگ، طی نیم قرن گذشته بی‌سابقه بوده است. لازم به توجه است که این رقم، رقم رسمی است و در همه جای جهان، حتی در کشورهای اروپایی، بیکاری واقعی بمراتب بالاتر از آمار رسمی بیکاری است. در رابطه با بیکاری در کشور، به ویژه قابل توجه است که درصد بیکاری بین نیروی جوانی که تازه وارد بازار کار می‌شود بیش از دوبرابر رقم کلی آن است و نیروی جوانی که وارد بازار کار می‌شود، برای تامین کار با دشواری‌های خیلی بیشتری روبرو هست.

جدول ۱ - شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار در کل کشور (ارقام: هزار نفر - درصد)

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۱۸,۹۵۵	۲۵,۷۸۹	۳۳,۷۰۹	۴۹,۴۴۵	۶۰,۰۵۵	۷۰,۴۹۶
متوسط رشد سالانه جمعیت - از سرشماری پیشین	-	۳/۱	۲/۷	۳/۹	۲/۰	۱/۶
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۱۲,۷۸۴	۱۷,۰۰۰	۲۳,۰۰۲	۳۲,۸۷۴	۴۵,۴۰۱	۵۹,۵۲۳
متوسط رشد سالانه جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر - از سرشماری پیشین	-	۲/۹	۳/۱	۳/۶	۳/۳	۲/۷
نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۷/۴	۶۵/۹	۶۸/۲	۶۶/۵	۷۵/۶	۸۴/۴
جمعیت غیرفعال	۱۲,۸۸۸	۱۷,۹۴۷	۲۳,۹۱۳	۳۶,۴۳۵	۴۳,۴۷۶	۴۶,۵۱۱
جمعیت فعال	۶,۰۶۷	۷,۸۴۲	۹,۷۹۶	۱۲,۸۲۰	۱۶,۰۲۷	۲۳,۴۶۹
متوسط رشد سالانه جمعیت فعال - از سرشماری پیشین	-	۲/۶	۲/۲	۲/۷	۲/۳	۳/۹
میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۳۲/۰	۳۰/۴	۲۹/۱	۲۵/۹	۲۶/۷	۳۳/۳
میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۴۷/۵	۴۶/۱	۴۲/۶	۳۹/۰	۳۵/۳	۳۹/۴
جمعیت شاغل	۵,۹۰۸	۷,۱۱۶	۸,۷۹۹	۱۱,۰۰۲	۱۴,۵۷۲	۲۰,۴۷۶
متوسط رشد سالانه جمعیت شاغل - از سرشماری پیشین	-	۱/۹	۲/۱	۲/۳	۳/۵	۳/۵
ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۳۱/۲	۲۷/۶	۲۶/۱	۲۲/۳	۲۴/۳	۲۹/۰
بار تکفل (نسبت جمعیت غیرفعال به جمعیت شاغل)	۲/۲	۲/۵	۲/۷	۳/۳	۳/۰	۲/۳
جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار)	۱۵۹	۷۲۶	۹۹۷	۱,۸۱۹	۱,۴۵۶	۲,۹۹۲
درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۲/۶	۹/۳	۱۰/۲	۱۴/۲	۹/۱	۱۲/۷

نیروی کار در شهر و روستا

برای به دست آوردن تصویر روشن‌تری از پویای نیروی کار در کشور، بررسی‌های نام‌برده در بالا، به تفکیک نقاط شهری و روستایی، و به تفکیک مرد و زن، لازم است.

مقایسه‌ی ارقام مربوط به نیروی کار بین نقاط شهری و روستایی، در مقطع آبان ۱۳۸۵، نشان می‌دهد که جمعیت روستا تا حدودی جوانتر از جمعیت شهری است، ۱۷/۵ درصد افراد زیر ده ساله در روستاها در برابر ۱۴/۸ درصد در شهرها. در این مقطع شاخص میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت) و شاخص میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر) در روستاها اندکی بالاتر از شهرها است. دلیل عمده‌ی آن را می‌توان پایین‌تر بودن نسبت دانش‌آموزان و دانش‌جویان به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در روستاها در مقایسه با شهرها نامید. تفاوتی بسیار اندک در شاخص ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت) بین نقاط شهری و روستایی دیده می‌شود که دلیل آن جوانتر بودن ساختار جنسی در روستاها نسبت به شهرها است که به آن اشاره شد. در مقطع زمانی مورد بحث، درصد بیکاری در نقاط روستایی حدود ۱۵ درصد بود که بسیار بالاتر از رقم ۱۲ درصدی مربوط به نقاط شهری است.

مقایسه‌ی نام‌گرا و شاخص‌های نیروی کار در مقطع ۶ سرشماری، مسیر حرکتی چندان متفاوتی را بین شهرها و روستاها نشان نمی‌دهد. در مقطع آخرین سرشماری، یعنی آبان ۱۳۸۵ نیز اختلاف معناداری در ساختار نیروی کار بین شهر و روستا دیده نمی‌شود.

جدول ۲ - شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار در نقاط شهری (ارقام: هزار نفر - درصد)

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۵.۹۵۴	۹.۷۹۴	۱۵.۸۵۵	۲۶.۸۴۵	۳۶.۸۱۸	۴۸.۲۶۰
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۴.۱۸۷	۶.۷۴۶	۱۱.۴۲۸	۱۸.۲۸۱	۲۸.۵۰۴	۴۱.۰۹۶
نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۷۰/۳	۶۸/۹	۷۲/۱	۶۸/۱	۷۷/۴	۸۵/۲
جمعیت غیر فعال	۴.۰۶۱	۷.۰۲۶	۱۱.۵۱۹	۱۹.۷۰۴	۲۶.۸۰۲	۳۱.۹۸۹
جمعیت فعال	۱.۸۹۳	۲.۷۶۸	۴.۳۳۶	۷.۰۲۶	۹.۶۵۵	۱۵.۹۳۱
میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۳۱/۸	۲۸/۳	۲۷/۳	۲۶/۲	۲۶/۲	۳۳/۰
میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۴۵/۲	۴۱/۰	۳۷/۹	۳۸/۴	۳۳/۹	۳۸/۸
جمعیت شاغل	۱.۸۰۷	۲.۶۱۰	۴.۱۱۳	۵.۹۵۳	۸.۷۹۹	۱۴.۰۴۷
ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۳۰/۴	۲۶/۶	۲۵/۹	۲۲/۲	۲۳/۹	۲۹/۱
بار تکفل (نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت شاغل)	۲/۲	۲/۷	۲/۸	۳/۳	۳/۰	۲/۳
جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار)	۸۶	۱۵۸	۲۲۳	۱.۰۷۳	۸۵۵	۱.۸۸۴
درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۴/۵	۵/۷	۵/۱	۱۵/۳	۸/۹	۱۱/۸

جدول ۳ - شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار در نقاط روستایی (ارقام: هزار نفر - درصد)

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۱۳.۰۰۱	۱۵.۹۹۴	۱۷.۸۵۴	۲۲.۶۰۰	۲۳.۲۳۸	۲۲.۲۳۶
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۸.۵۹۷	۱۰.۲۵۳	۱۱.۵۷۴	۱۴.۴۳۸	۱۶.۷۵۳	۱۸.۳۴۴
نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۶/۱	۶۴/۱	۶۴/۸	۶۳/۹	۷۲/۱	۸۲/۵
جمعیت غیر فعال	۸.۸۲۸	۱۰.۹۲۱	۱۲.۳۹۴	۱۶.۷۹۹	۱۶.۷۴۲	۱۴.۵۶۷
جمعیت فعال	۴.۱۷۳	۵.۰۷۳	۵.۴۶۰	۵.۷۲۷	۶.۳۰۶	۷.۴۹۴
میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۳۲/۱	۳۱/۷	۳۰/۶	۲۵/۳	۲۷/۱	۳۳/۷
میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۴۸/۵	۴۹/۵	۴۷/۲	۳۹/۷	۳۷/۶	۴۰/۹
جمعیت شاغل	۴.۱۰۰	۴.۵۰۵	۴.۶۸۷	۴.۹۸۸	۵.۷۱۱	۶.۳۹۰
ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۳۱/۵	۲۸/۲	۲۶/۳	۲۲/۱	۲۴/۶	۲۸/۷
بار تکفل (نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت شاغل)	۲/۲	۲/۴	۲/۶	۳/۴	۲/۹	۲/۳
جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار)	۷۳	۵۶۸	۷۷۴	۷۴۰	۵۹۶	۱.۱۰۴
درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۱/۷	۱۱/۲	۱۴/۲	۱۲/۹	۹/۵	۱۴/۷

جدول ۴ - نرخ بیکاری رسمی به تفکیک مناطق شهری و روستایی (ارقام: درصد)

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	درصد بیکاران به جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۱۲/۷	۹/۱	۱۴/۲	۱۰/۲	۹/۳	۲/۶	کل کشور
۱۱/۸	۸/۹	۱۵/۳	۵/۱	۵/۷	۴/۵	نقاط شهری
۱۴/۷	۹/۵	۱۲/۹	۱۴/۲	۱۱/۲	۱/۷	نقاط روستایی

جدول ۵ - برخی نماگرهای نیروی کار به تفکیک مناطق شهری و روستایی (ارقام: هزار نفر)

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
کل کشور						
۷۰,۴۹۶	۶۰,۰۵۵	۴۹,۴۴۵	۳۳,۷۰۹	۲۵,۷۸۹	۱۸,۹۵۵	جمعیت
۵۹,۵۲۳	۴۵,۴۰۱	۳۲,۸۷۴	۲۳,۰۰۲	۱۷,۰۰۰	۱۲,۷۸۴	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۲۳,۴۶۹	۱۶,۰۲۷	۱۲,۸۲۰	۹,۷۹۶	۷,۸۴۲	۶,۰۶۷	جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۲۰,۴۷۶	۱۴,۵۷۲	۱۱,۰۰۲	۸,۷۹۹	۷,۱۱۶	۵,۹۰۸	(شاغل)
۲,۹۹۲	۱,۴۵۶	۱,۸۱۹	۹۹۷	۷۲۶	۱۵۹	(بیکار)
۴۶,۵۱۱	۴۳,۴۷۶	۳۶,۴۳۵	۲۳,۹۱۳	۱۷,۹۴۷	۱۲,۸۸۸	جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی
۱۰,۹۷۳	۱۴,۶۵۴	۱۶,۵۷۱	۱۰,۷۰۷	۸,۷۸۹	۶,۱۷۱	(جمعیت زیر ۱۰ ساله)
۳۵,۵۳۸	۲۸,۸۲۲	۱۹,۸۶۴	۱۳,۲۰۶	۹,۱۵۸	۶,۷۱۷	(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)
۵۱۶	۵۵۲	۱۹۰	۰	۰	۰	اظهار نشده
نقاط شهری						
۴۸,۲۶۰	۳۶,۸۱۸	۲۶,۸۴۵	۱۵,۸۵۵	۹,۷۹۴	۵,۹۵۴	جمعیت
۴۱,۰۹۶	۲۸,۵۰۴	۱۸,۲۸۱	۱۱,۴۲۸	۶,۷۴۷	۴,۱۸۷	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱۵,۹۳۱	۹,۶۵۵	۷,۰۲۶	۴,۳۳۶	۲,۷۶۸	۱,۸۹۳	جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۱۴,۰۴۷	۸,۷۹۹	۵,۹۵۳	۴,۱۱۳	۲,۶۱۰	۱,۸۰۷	(شاغل)
۱,۸۸۴	۸۵۵	۱,۰۷۳	۲۲۳	۱۵۸	۸۶	(بیکار)
۳۱,۹۸۹	۲۶,۸۰۲	۱۹,۷۰۴	۱۱,۵۱۹	۷,۰۲۶	۴,۰۶۱	جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی
۷,۱۶۴	۸,۳۱۴	۸,۵۶۴	۴,۴۲۷	۳,۰۴۸	۱,۷۶۷	(جمعیت زیر ۱۰ ساله)
۲۴,۸۲۵	۱۸,۴۸۸	۱۱,۱۴۰	۷,۰۹۲	۳,۹۷۸	۲,۲۹۴	(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)
۳۴۰	۳۶۱	۱۱۵	۰	۰	۰	اظهار نشده
نقاط روستایی						
۲۲,۲۳۶	۲۳,۲۳۸	۲۲,۶۰۰	۱۷,۸۵۴	۱۵,۹۹۴	۱۳,۰۰۱	جمعیت
۱۸,۳۴۴	۱۶,۷۵۳	۱۴,۴۳۸	۱۱,۵۷۵	۱۰,۲۵۳	۸,۵۹۷	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۷,۴۹۴	۶,۳۰۶	۵,۷۲۷	۵,۴۶۰	۵,۰۷۳	۴,۱۷۳	جمعیت فعال از نظر اقتصادی
۶,۳۹۰	۵,۷۱۱	۴,۹۸۸	۴,۶۸۷	۴,۵۰۵	۴,۱۰۰	(شاغل)
۱,۱۰۴	۵۹۶	۷۴۰	۷۷۴	۵۶۸	۷۳	(بیکار)
۱۴,۵۶۷	۱۶,۷۴۲	۱۶,۷۹۹	۱۲,۳۹۴	۱۰,۹۲۱	۸,۸۲۸	جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی
۳,۸۹۲	۶,۴۸۵	۸,۱۶۲	۶,۲۸۰	۵,۷۴۱	۴,۴۰۴	(جمعیت زیر ۱۰ ساله)
۱۰,۶۷۵	۱۰,۲۵۷	۸,۶۳۷	۶,۱۱۴	۵,۱۸۰	۴,۴۲۴	(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)
۱۷۵	۱۹۰	۷۴	۰	۰	۰	اظهار نشده

نیروی کار به تفکیک زنان و مردان

اختلاف معنادار ساختاری در زمینه‌ی نیروی کار را به روشنی می‌توان زمانی دید که پویش نیروی کار به تفکیک مرد و زن مورد بررسی قرار گیرد. گرچه به لحاظ ساختار سنی تفاوت معناداری بین دو جنسیت نیست، تفاوت بسیار بزرگی بین جمعیت فعال مرد و زن وجود دارد. شاخص میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت) در آبان‌ماه سال ۱۳۸۵ برای مردان ۵۵ درصد بود و برای زنان فقط ۱۰ درصد. شاخص میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر) در این مقطع، برای مردان ۶۶ درصد و برای زنان فقط ۱۲ درصد بود. یعنی این که در سال ۱۳۸۵ مردان پنج برابر بیش از زنان در عرصه‌ی اقتصاد فعال هستند. این امر با هیچ دلیل دیگری، جز این که اکثریت بزرگ زنان در گوشه‌ی خانه‌ها هستند، قابل توجیه نیست. زنان با وجود کوشش بسیار، هنوز نتوانسته‌اند بیش از یک پنجم مردان وارد عرصه مناسبات کاری و اقتصادی شوند. در رابطه با اشتغال و بیکاری وضع بدتر است و اختلاف بسیار بیشتر. در سال ۱۳۸۵ در برابر ۱۱ درصد بیکاری بین مردان فعال از نظر اقتصادی، ۲۳ درصد بیکاری بین زنان فعال از نظر اقتصادی وجود داشت، یعنی از همان یک پنجمی هم که به هزار زحمت امکان ورود به بازار کار به دست آورده، از هر ۴ زن در جستجوی کار، یکی بیکار مانده است.

بررسی این شاخص‌ها در آستانه‌ی انقلاب و مقایسه‌ی آن‌ها با آخرین ارقام نشان می‌دهد، این چشم اسفندیار بازار کار ایران، این شکاف بسیار عظیم بین مرد و زن در رابطه با نیروی کار، هم در زمان پادشاهی وجود داشته است، هم در دوره‌ی جمهوری اسلامی. برای به دست آوردن تصویر روشنی از این وضع اسفبار، در زمان اوج رشد اقتصادی دوران پادشاهی و زمان کنونی، جدول خلاصه‌ی زیر گویاتر از هر گفتاری هست.

جدول ۶ - مقایسه‌ی چند شاخص مربوط به نیروی کار زن و مرد (ارقام: درصد)

مرد		زن		عنوان	۱۳۵۵		۱۳۸۵	
۱۳۸۵	۱۳۵۵	۱۳۸۵	۱۳۵۵		مرد	زن	مرد	زن
۶۸/۰	۸۴/۳	۶۸/۵	۸۴/۵	نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۸/۰	۶۸/۵	۸۴/۳	۸۴/۵
۴۸/۱	۵۵/۳	۸/۹	۱۰/۵	میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۴۸/۱	۸/۹	۵۵/۳	۱۰/۵
۷۰/۸	۶۵/۶	۱۲/۹	۱۲/۴	میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۷۰/۸	۱۲/۹	۶۵/۶	۱۲/۴
۴۳/۷	۴۹/۳	۷/۴	۸/۰	ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۴۳/۷	۷/۴	۴۹/۳	۸/۰
۹/۱	۱۰/۸	۱۶/۴	۲۳/۳	درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۹/۱	۱۶/۴	۱۰/۸	۲۳/۳

در آستانه‌ی انقلاب نیز مانند اکنون، مردان پنج برابر زنان در عرصه‌ی اقتصاد فعال بودند و زنان در جست و جوی کار، بسیار بیشتر از مردان بیکار. تنها تغییر در رابطه با درصد بیکاری بالاتر بین زنان است، که این شکاف در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ وسیع‌تر شده است. ۳۰ سال پیش درصد بیکاری بین زنان ۱/۸ برابر درصد بیکاری بین مردان بود، اکنون ۲/۲ برابر آن.

در رابطه با شکاف بالا و تلاش فراوانی که از سوی زنان برای کاستن از آن و به دست آوردن موقعیت برابر می‌شود یک نکته‌ی خیلی مهم وجود دارد که در بند مربوط به اشتغال، بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت، ولی اینجا اشاره به آن سودمند است. بررسی آمارهای مربوط به اشتغال در سال ۱۳۸۵ و مقایسه‌ی آن‌ها از زاویه‌ی جنسیت، نشان می‌دهند که تعداد با سوادان بین شاغلان هر دو جنسیت برابر است اما نسبت شاغلان زن دارای تحصیلات دانشگاهی، به کل شاغلان زن، با رقم ۳۶/۷ درصد تقریباً ۳ برابر این نسبت بین شاغلان مرد با رقم ۱۳ درصد است. به این ترتیب می‌توان نکته‌ای را که احساس می‌شود، با آمار دقیقاً ثابت کرد و آن این‌که اولاً پیش‌تاز برابری زن و مرد در عرصه‌ی اقتصاد نیز عمدتاً زنان تحصیل‌کرده هستند، ثانیاً داشتن تحصیلات بالاتر راه ورود به عرصه‌ی کار و اقتصاد را برای زنان آسان‌تر می‌کند.

جدول ۷ - شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار مرد (ارقام: هزار نفر - درصد)

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۹.۶۴۵	۱۳.۳۵۶	۱۷.۳۵۶	۲۵.۲۸۱	۳۰.۵۱۵	۳۵.۸۶۶
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۶.۵۴۲	۸.۷۹۴	۱۱.۷۹۶	۱۶.۸۴۱	۲۳.۰۲۲	۳۰.۲۴۴
نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۷/۸	۶۵/۸	۶۸/۰	۶۶/۶	۷۵/۴	۸۴/۳
جمعیت غیر فعال	۴.۱۵۴	۶.۵۴۸	۹.۰۰۹	۱۳.۶۹۵	۱۶.۱۹۱	۱۵.۸۰۱
جمعیت فعال	۵.۴۹۱	۶.۸۰۸	۸.۳۴۷	۱۱.۵۱۲	۱۳.۹۹۰	۱۹.۸۴۰
میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۵۶/۹	۵۱/۰	۴۸/۱	۴۵/۵	۴۵/۸	۵۵/۳
میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۸۳/۹	۷۷/۴	۷۰/۸	۶۸/۴	۶۰/۸	۶۵/۶
جمعیت شاغل	۵.۳۳۴	۶.۱۷۲	۷.۵۸۷	۱۰.۰۲۶	۱۲.۸۰۶	۱۷.۶۹۵
ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۵۵/۳	۴۶/۲	۴۳/۷	۳۹/۷	۴۲/۰	۴۹/۳
جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار)	۱۵۷	۶۳۶	۷۶۰	۱.۴۸۶	۱.۱۸۴	۲.۱۴۵
درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۲/۹	۹/۳	۹/۱	۱۲/۹	۸/۵	۱۰/۸

جدول ۸ - شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار زن (ارقام: هزار نفر - درصد)

عنوان	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۹.۳۱۰	۱۲.۴۳۳	۱۶.۳۵۲	۲۴.۱۶۴	۲۹.۵۴۰	۳۴.۶۲۹
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۶.۲۴۲	۸.۲۰۶	۱۱.۲۰۶	۱۶.۰۳۳	۲۲.۳۷۹	۲۹.۲۷۸
نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت	۶۷/۰	۶۶/۰	۶۸/۵	۶۶/۴	۷۵/۸	۸۴/۵
جمعیت غیر فعال	۸.۷۳۴	۱۱.۳۹۹	۱۴.۹۰۳	۲۲.۷۴۰	۲۷.۲۸۵	۳۰.۷۰۹
جمعیت فعال	۵۷۶	۱.۰۳۳	۱.۴۴۹	۱.۳۰۷	۲.۰۳۷	۳.۶۲۹
میزان فعالیت عمومی (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت)	۶/۲	۸/۳	۸/۹	۵/۴	۶/۹	۱۰/۵
میزان مشارکت (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)	۹/۲	۱۲/۶	۱۲/۹	۸/۲	۹/۱	۱۲/۴
جمعیت شاغل	۵۷۳	۹۴۴	۱.۲۱۲	۹۷۵	۱.۷۶۵	۲.۷۸۲
ضریب اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت)	۶/۲	۷/۶	۷/۴	۴/۰	۶/۰	۸/۰
جمعیت بیکار (بیکار در جستجوی کار)	۲	۹۰	۲۳۷	۳۳۳	۲۷۲	۸۴۷
درصد بیکاری (نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال)	۰/۳	۸/۷	۱۶/۴	۲۵/۵	۱۳/۴	۲۳/۳

جدول ۹ - نرخ بیکاری رسمی به تفکیک جنسیت (ارقام: درصد)

درصد بیکاران به جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد و زن	۲/۶	۹/۳	۱۰/۲	۱۴/۲	۹/۱	۱۲/۷
مرد	۲/۹	۹/۳	۹/۱	۱۲/۹	۸/۵	۱۰/۸
زن	۰/۳	۸/۷	۱۶/۴	۲۵/۵	۱۳/۴	۲۳/۳

جدول ۱۰ - برخی شاخص‌های نیروی کار به تفکیک جنسیت (ارقام: هزار نفر)

	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
مرد و زن						
جمعیت	۱۸,۹۵۵	۲۵,۷۸۹	۳۳,۷۰۹	۴۹,۴۴۵	۶۰,۰۵۵	۷۰,۴۹۶
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۱۲,۷۸۴	۱۷,۰۰۰	۲۳,۰۰۲	۳۲,۸۷۴	۴۵,۴۰۱	۵۹,۵۲۳
جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۶,۰۶۷	۷,۸۴۲	۹,۷۹۶	۱۲,۸۲۰	۱۶,۰۲۷	۲۳,۴۶۹
(شاغل)	۵,۹۰۸	۷,۱۱۶	۸,۷۹۹	۱۱,۰۰۲	۱۴,۵۷۲	۲۰,۴۷۶
(بیکار)	۱۵۹	۷۲۶	۹۹۷	۱,۸۱۹	۱,۴۵۶	۲,۹۹۲
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی	۱۲,۸۸۸	۱۷,۹۴۷	۲۳,۹۱۳	۳۶,۴۳۵	۴۳,۴۷۶	۴۶,۵۱۱
(جمعیت زیر ۱۰ ساله)	۶,۱۷۱	۸,۷۸۹	۱۰,۷۰۷	۱۶,۵۷۱	۱۴,۶۵۴	۱۰,۹۷۳
(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)	۶,۷۱۷	۹,۱۵۸	۱۳,۲۰۶	۱۹,۸۶۴	۲۸,۸۲۲	۳۵,۵۳۸
اظهار نشده	۰	۰	۰	۱۹۰	۵۵۲	۵۱۶
مرد						
جمعیت	۹,۶۴۵	۱۳,۳۵۶	۱۷,۳۵۶	۲۵,۲۸۱	۳۰,۵۱۵	۳۵,۸۶۶
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۶,۵۴۲	۸,۷۹۴	۱۱,۷۹۶	۱۶,۸۴۱	۲۳,۰۲۲	۳۰,۲۴۴
جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۵,۴۹۱	۶,۸۰۸	۸,۳۴۷	۱۱,۵۱۲	۱۳,۹۹۰	۱۹,۸۴۰
(شاغل)	۵,۳۳۴	۶,۱۷۲	۷,۵۸۷	۱۰,۰۲۶	۱۲,۸۰۶	۱۷,۶۹۵
(بیکار)	۱۵۷	۶۳۶	۷۶۰	۱,۴۸۶	۱,۱۸۴	۲,۱۴۵
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی	۴,۱۵۴	۶,۵۴۸	۹,۰۰۹	۱۳,۶۹۵	۱۶,۱۹۱	۱۵,۸۰۱
(جمعیت زیر ۱۰ ساله)	۳,۱۰۳	۴,۵۶۲	۵,۵۶۰	۸,۴۴۰	۷,۴۹۳	۵,۶۲۲
(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)	۱,۰۵۱	۱,۹۸۶	۳,۴۴۹	۵,۲۵۵	۸,۶۹۸	۱۰,۱۷۹
اظهار نشده	۰	۰	۰	۷۴	۳۳۴	۲۲۵
زن						
جمعیت	۹,۳۱۰	۱۲,۴۳۳	۱۶,۳۵۲	۲۴,۱۶۴	۲۹,۵۴۰	۳۴,۶۲۹
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۶,۲۴۲	۸,۲۰۶	۱۱,۲۰۶	۱۶,۰۳۳	۲۲,۳۷۹	۲۹,۲۷۸
جمعیت فعال از نظر اقتصادی	۵۷۶	۱,۰۳۳	۱,۴۴۹	۱,۳۰۷	۲,۰۳۷	۳,۶۲۹
(شاغل)	۵۷۳	۹۴۴	۱,۲۱۲	۹۷۵	۱,۷۶۵	۲,۷۸۲
(بیکار)	۲	۹۰	۲۳۷	۳۳۳	۲۷۲	۸۴۷
جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی	۸,۷۳۴	۱۱,۳۹۹	۱۴,۹۰۳	۲۲,۷۴۰	۲۷,۲۸۵	۳۰,۷۰۹
(جمعیت زیر ۱۰ ساله)	۳,۰۶۸	۴,۲۲۷	۵,۱۴۶	۸,۱۳۱	۷,۱۶۱	۵,۳۵۱
(غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر)	۵,۶۶۶	۷,۱۷۲	۹,۷۵۷	۱۴,۶۰۹	۲۰,۱۲۴	۲۵,۳۵۸
اظهار نشده	۰	۰	۰	۱۱۷	۲۱۸	۲۹۱

نیروی کار در استان‌ها

در رابطه با استانهای کشور، برای پرهیز از درازی نوشته، فقط به ارائه‌ی ۳ جدول بسنده می‌شود.

جدول ۱۱ - جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب وضع فعالیت به تفکیک استان (۱۳۸۵)

ارقام: هزار نفر - درصد

نام استان	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال	شاغل	بیکار	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری
کل کشور	۵۹.۵۲۳	۲۳.۴۶۹	۲۰.۴۷۶	۲.۹۹۲	۳۹/۴	۱۲/۸
آذربایجان شرقی	۳.۰۸۴	۱.۲۷۸	۱.۱۵۵	۱۲۳	۴۱/۴	۹/۶
آذربایجان غربی	۲.۳۹۰	۹۴۰	۸۵۷	۸۳	۳۹/۳	۸/۹
اردبیل	۱.۰۳۹	۴۰۸	۳۶۲	۴۶	۳۹/۳	۱۱/۴
اصفهان	۳.۹۲۴	۱.۵۶۹	۱.۴۰۴	۱۶۶	۴۰/۰	۱۰/۵
ایلام	۴۶۵	۱۸۲	۱۳۲	۴۹	۳۹/۱	۲۷/۲
بوشهر	۷۴۱	۲۹۶	۲۶۹	۲۷	۴۰/۰	۹/۰
تهران	۱۱.۵۸۲	۴.۶۹۱	۴.۲۹۷	۳۹۴	۴۰/۵	۸/۴
چهارمحال و بختیاری	۷۱۷	۲۸۶	۲۳۴	۵۱	۳۹/۹	۱۸/۰
خراسان جنوبی	۵۲۱	۲۳۱	۱۹۳	۳۸	۴۴/۳	۱۶/۳
خراسان رضوی	۴.۶۳۵	۱.۸۹۶	۱.۷۴۰	۱۵۶	۴۰/۹	۸/۲
خراسان شمالی	۶۶۸	۲۷۹	۲۵۶	۲۲	۴۱/۷	۸/۰
خوزستان	۳.۵۳۰	۱.۲۲۹	۹۹۲	۲۳۷	۳۴/۸	۱۹/۳
زنجان	۸۲۰	۳۳۴	۳۰۳	۳۱	۴۰/۷	۹/۴
سمنان	۵۰۵	۱۹۳	۱۷۷	۱۶	۳۸/۲	۸/۴
سیستان و بلوچستان	۱.۷۸۱	۶۲۳	۴۲۷	۱۹۶	۳۵/۰	۳۱/۵
فارس	۳.۷۰۷	۱.۳۸۱	۱.۲۲۵	۱۵۶	۳۷/۳	۱۱/۳
قزوین	۹۷۴	۳۶۵	۳۲۶	۳۹	۳۷/۵	۱۰/۸
قم	۸۷۰	۳۱۷	۲۹۲	۲۶	۳۶/۴	۸/۱
کردستان	۱.۲۲۰	۴۹۲	۳۹۳	۹۹	۴۰/۳	۲۰/۲
کرمان	۲.۱۸۴	۸۷۶	۶۹۲	۱۸۴	۴۰/۱	۲۱/۰
کرمانشاه	۱.۶۱۴	۶۱۷	۴۷۴	۱۴۳	۳۸/۲	۲۳/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۵۲۵	۱۷۵	۱۴۰	۳۴	۳۳/۳	۱۹/۶
گلستان	۱.۳۵۰	۵۵۶	۴۸۷	۶۹	۴۱/۲	۱۲/۴
گیلان	۲.۱۰۳	۸۷۱	۷۴۱	۱۳۰	۴۱/۴	۱۴/۹
لرستان	۱.۴۵۳	۵۸۴	۴۱۴	۱۷۰	۴۰/۲	۲۹/۱
مازندران	۲.۵۳۷	۱.۰۱۵	۹۰۵	۱۱۰	۴۰/۰	۱۰/۹
مرکزی	۱.۱۶۱	۴۴۱	۳۹۵	۴۶	۳۸/۰	۱۰/۴
هرمزگان	۱.۱۲۸	۴۱۹	۳۶۸	۵۱	۳۷/۱	۱۲/۲
همدان	۱.۴۶۴	۵۶۳	۴۹۴	۶۹	۳۸/۵	۱۲/۳
یزد	۸۳۲	۳۶۱	۳۳۳	۲۸	۴۳/۴	۷/۹

جدول ۱۲ - جمعیت برحسب وضع فعالیت به تفکیک استان (۱۳۸۵)

ارقام: هزار نفر

نام استان	جمعیت	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال			جمعیت غیر فعال			اظهار نشده
			جمع	شاغل	بیکار	جمع	غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت زیر ۱۰ ساله	
کل کشور	۷۰.۴۹۶	۵۹.۵۲۳	۲۳.۴۶۹	۲۰.۴۷۶	۲.۹۹۲	۴۶.۵۱۱	۳۵.۵۳۸	۱۰.۹۷۳	۵۱۶
آذربایجان شرقی	۳.۶۰۳	۳.۰۸۴	۱.۲۷۸	۱.۱۵۵	۱۲۳	۲.۲۹۰	۱.۷۷۰	۵۲۰	۳۶
آذربایجان غربی	۲.۸۷۳	۲.۳۹۰	۹۴۰	۸۵۷	۸۳	۱.۹۰۳	۱.۴۲۰	۴۸۴	۳۰
اردبیل	۱.۲۲۸	۱.۰۳۹	۴۰۸	۳۶۲	۴۶	۸۱۵	۶۲۵	۱۸۹	۵
اصفهان	۴.۵۵۹	۳.۹۲۴	۱.۵۶۹	۱.۴۰۴	۱۶۶	۲.۹۶۸	۲.۳۳۳	۶۳۵	۲۲
ایلام	۵۴۶	۴۶۵	۱۸۲	۱۳۲	۴۹	۳۵۸	۲۷۷	۸۱	۶
بوشهر	۸۸۶	۷۴۱	۲۹۶	۲۶۹	۲۷	۵۷۹	۴۳۴	۱۴۵	۱۱
تهران	۱۳.۴۲۲	۱۱.۵۸۲	۴.۶۹۱	۴.۲۹۷	۳۹۴	۸.۶۵۶	۶.۸۱۶	۱.۸۴۰	۷۵
چهارمحال و بختیاری	۸۵۸	۷۱۷	۲۸۶	۲۳۴	۵۱	۵۶۶	۴۲۵	۱۴۱	۶
خراسان جنوبی	۶۳۶	۵۲۱	۲۳۱	۱۹۳	۳۸	۴۰۲	۲۸۶	۱۱۵	۴
خراسان رضوی	۵.۵۹۳	۴.۶۳۵	۱.۸۹۶	۱.۷۴۰	۱۵۶	۳.۶۶۵	۲.۷۰۷	۹۵۸	۳۲
خراسان شمالی	۸۱۲	۶۶۸	۲۷۹	۲۵۶	۲۲	۵۲۵	۳۸۱	۱۴۴	۸
خوزستان	۴.۲۷۵	۳.۵۳۰	۱.۲۲۹	۹۹۲	۲۳۷	۳.۰۰۸	۲.۲۶۳	۷۴۵	۳۷
زنجان	۹۶۵	۸۲۰	۳۳۴	۳۰۳	۳۱	۶۲۴	۴۷۹	۱۴۵	۷
سمنان	۵۹۰	۵۰۵	۱۹۳	۱۷۷	۱۶	۳۹۴	۳۰۸	۸۵	۳
سیستان و بلوچستان	۲.۴۰۶	۱.۷۸۱	۶۲۳	۴۲۷	۱۹۶	۱.۷۴۰	۱.۱۱۵	۶۲۵	۴۳
فارس	۴.۳۳۷	۳.۷۰۷	۱.۳۸۱	۱.۲۲۵	۱۵۶	۲.۹۰۴	۲.۲۷۴	۶۳۰	۵۲
قزوین	۱.۱۴۳	۹۷۴	۳۶۵	۳۲۶	۳۹	۷۷۲	۶۰۲	۱۷۰	۶
قم	۱.۰۴۷	۸۷۰	۳۱۷	۲۹۲	۲۶	۷۲۵	۵۴۹	۱۷۶	۴
کردستان	۱.۴۴۰	۱.۲۲۰	۴۹۲	۳۹۳	۹۹	۹۴۰	۷۲۰	۲۲۰	۸
کرمان	۲.۶۵۲	۲.۱۸۴	۸۷۶	۶۹۲	۱۸۴	۱.۷۵۷	۱.۲۸۹	۴۶۹	۱۹
کرمانشاه	۱.۸۷۹	۱.۶۱۴	۶۱۷	۴۷۴	۱۴۳	۱.۲۵۴	۹۸۸	۲۶۶	۹
کهگیلویه و بویراحمد	۶۳۴	۵۲۵	۱۷۵	۱۴۰	۳۴	۴۵۳	۳۴۴	۱۱۰	۶
گلستان	۱.۶۱۷	۱.۳۵۰	۵۵۶	۴۸۷	۶۹	۱.۰۵۵	۷۸۸	۲۶۷	۶
گیلان	۲.۴۰۵	۲.۱۰۳	۸۷۱	۷۴۱	۱۳۰	۱.۵۲۲	۱.۲۲۰	۳۰۲	۱۲
لرستان	۱.۷۱۷	۱.۴۵۳	۵۸۴	۴۱۴	۱۷۰	۱.۱۲۲	۸۵۸	۲۶۴	۱۱
مازندران	۲.۹۲۲	۲.۵۳۷	۱.۰۱۵	۹۰۵	۱۱۰	۱.۸۹۰	۱.۵۰۵	۳۸۵	۱۷
مرکزی	۱.۳۵۱	۱.۱۶۱	۴۴۱	۳۹۵	۴۶	۸۹۷	۷۰۶	۱۹۱	۱۳
هرمزگان	۱.۴۰۴	۱.۱۲۸	۴۱۹	۳۶۸	۵۱	۹۷۵	۶۹۹	۲۷۶	۱۰
همدان	۱.۷۰۳	۱.۴۶۴	۵۶۳	۴۹۴	۶۹	۱.۱۳۱	۸۹۱	۲۴۰	۹
یزد	۹۹۱	۸۳۲	۳۶۱	۳۳۳	۲۸	۶۲۲	۴۶۳	۱۵۸	۸

جدول ۱۳ - جمعیت برحسب وضع فعالیت به تفکیک استان (۱۳۸۵)

ارقام: درصد

نام استان	جمعیت	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال			جمعیت غیر فعال			اظهار نشده
			جمع	شاغل	بیکار	جمع	غیر فعال ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت زیر ۱۰ ساله	
کل کشور	۱۰۰/۰	۸۴/۴	۳۳/۳	۲۹/۰	۴/۲	۶۶/۰	۵۰/۴	۱۵/۶	۰/۷
آذربایجان شرقی	۱۰۰/۰	۸۵/۶	۳۵/۵	۳۲/۱	۳/۴	۶۳/۵	۴۹/۱	۱۴/۴	۱/۰
آذربایجان غربی	۱۰۰/۰	۸۳/۲	۳۲/۷	۲۹/۸	۲/۹	۶۶/۲	۴۹/۴	۱۶/۸	۱/۱
اردبیل	۱۰۰/۰	۸۴/۶	۳۳/۲	۲۹/۵	۳/۸	۶۶/۳	۵۰/۹	۱۵/۴	۰/۴
اصفهان	۱۰۰/۰	۸۶/۱	۳۴/۴	۳۰/۸	۳/۶	۶۵/۱	۵۱/۲	۱۳/۹	۰/۵
ایلام	۱۰۰/۰	۸۵/۲	۳۳/۳	۲۴/۳	۹/۱	۶۵/۶	۵۰/۸	۱۴/۸	۱/۰
بوشهر	۱۰۰/۰	۸۳/۶	۳۳/۴	۳۰/۴	۳/۰	۶۵/۳	۴۹/۰	۱۶/۴	۱/۲
تهران	۱۰۰/۰	۸۶/۳	۳۵/۰	۳۲/۰	۲/۹	۶۴/۵	۵۰/۸	۱۳/۷	۰/۶
چهارمحال و بختیاری	۱۰۰/۰	۸۳/۶	۳۳/۳	۲۷/۳	۶/۰	۶۶/۰	۴۹/۵	۱۶/۴	۰/۷
خراسان جنوبی	۱۰۰/۰	۸۱/۹	۳۶/۳	۳۰/۴	۵/۹	۶۳/۱	۴۵/۰	۱۸/۱	۰/۶
خراسان رضوی	۱۰۰/۰	۸۲/۹	۳۳/۹	۳۱/۱	۲/۸	۶۵/۵	۴۸/۴	۱۷/۱	۰/۶
خراسان شمالی	۱۰۰/۰	۸۲/۳	۳۴/۳	۳۱/۶	۲/۷	۶۴/۷	۴۶/۹	۱۷/۷	۱/۰
خوزستان	۱۰۰/۰	۸۲/۶	۲۸/۸	۲۳/۲	۵/۶	۷۰/۴	۵۲/۹	۱۷/۴	۰/۹
زنجان	۱۰۰/۰	۸۵/۰	۳۴/۶	۳۱/۴	۳/۲	۶۴/۷	۴۹/۷	۱۵/۰	۰/۷
سمنان	۱۰۰/۰	۸۵/۵	۳۲/۷	۳۰/۰	۲/۸	۶۶/۷	۵۲/۳	۱۴/۵	۰/۶
سیستان و بلوچستان	۱۰۰/۰	۷۴/۰	۲۵/۹	۱۷/۷	۸/۲	۷۲/۳	۴۶/۳	۲۶/۰	۱/۸
فارس	۱۰۰/۰	۸۵/۵	۳۱/۸	۲۸/۳	۳/۶	۶۷/۰	۵۲/۴	۱۴/۵	۱/۲
قزوین	۱۰۰/۰	۸۵/۲	۳۱/۹	۲۸/۵	۳/۵	۶۷/۵	۵۲/۷	۱۴/۸	۰/۵
قم	۱۰۰/۰	۸۳/۲	۳۰/۳	۲۷/۹	۲/۴	۶۹/۳	۵۲/۴	۱۶/۸	۰/۴
کردستان	۱۰۰/۰	۸۴/۷	۳۴/۲	۲۷/۳	۶/۹	۶۵/۳	۵۰/۰	۱۵/۳	۰/۶
کرمان	۱۰۰/۰	۸۲/۳	۳۳/۰	۲۶/۱	۷/۰	۶۶/۲	۴۸/۶	۱۷/۷	۰/۷
کرمانشاه	۱۰۰/۰	۸۵/۹	۳۲/۸	۲۵/۲	۷/۶	۶۶/۷	۵۲/۶	۱۴/۱	۰/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۰/۰	۸۲/۷	۲۷/۶	۲۲/۱	۵/۴	۷۱/۵	۵۴/۲	۱۷/۳	۱/۰
گلستان	۱۰۰/۰	۸۳/۵	۳۴/۴	۳۰/۱	۴/۳	۶۵/۲	۴۸/۷	۱۶/۵	۰/۴
گیلان	۱۰۰/۰	۸۷/۵	۳۶/۲	۳۰/۸	۵/۴	۶۳/۳	۵۰/۷	۱۲/۵	۰/۵
لرستان	۱۰۰/۰	۸۴/۶	۳۴/۰	۲۴/۱	۹/۹	۶۵/۳	۵۰/۰	۱۵/۴	۰/۶
مازندران	۱۰۰/۰	۸۶/۸	۳۴/۷	۳۱/۰	۳/۸	۶۴/۷	۵۱/۵	۱۳/۲	۰/۶
مرکزی	۱۰۰/۰	۸۵/۹	۳۲/۶	۲۹/۳	۳/۴	۶۶/۴	۵۲/۳	۱۴/۱	۱/۰
هرمزگان	۱۰۰/۰	۸۰/۴	۲۹/۸	۲۶/۲	۳/۶	۶۹/۵	۴۹/۸	۱۹/۶	۰/۷
همدان	۱۰۰/۰	۸۵/۹	۳۳/۱	۲۹/۰	۴/۱	۶۶/۴	۵۲/۳	۱۴/۱	۰/۵
یزد	۱۰۰/۰	۸۴/۰	۳۶/۴	۳۳/۶	۲/۹	۶۲/۷	۴۶/۸	۱۶/۰	۰/۸

۲ - جمعیت شاغل

شاغلان کشور و بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی

بالاخر، نگاه کوتاهی به رابطه‌ی بین جمعیت و نیروی فعال آن به لحاظ اقتصادی از جنبه‌های مختلف داشتیم، در این بخش جمعیت شاغل و عوامل مربوط به آن در مرکز توجه قرار دارند.

سال ۱۳۴۵ نزدیک نصف (۴۷/۵ درصد) جمعیت شاغل کشور در بخش کشاورزی کار می‌کرد. این امر، علی‌رغم این‌که سهم این بخش از تولید ناخالص ملی، بدون محاسبه‌ی بخش نفت، بیش از یک‌سوم نبود، به کشور چهره‌ای آشکارا کشاورزی می‌بخشید. از پس گذر ۴۰ سال، اوضاع بسیار دگرگون گشته است. در مقطع سرشماری سال ۱۳۸۵ فقط یک هفتم تولید ناخالص ملی، بدون محاسبه‌ی بخش نفت، از بخش کشاورزی تامین می‌شد و کمتر از یک پنجم (۱۸ درصد) جمعیت شاغل کشور در این بخش کار می‌کردند. در سال ۱۳۴۵ از ۲۶ میلیون نفر جمعیت کشور ۳/۴ میلیون نفر در کشاورزی شاغل بودند، در سال ۱۳۸۵ با وجود این‌که تولید بخش کشاورزی کشور نسبت به ۴۰ سال پیش، به قیمت ثابت ۶/۵ برابر گشته، جمعیت شاغل در این بخش کمتر از ۱۰ درصد افزایش یافته و از ۷۰ میلیون نفر جمعیت کشور حدود فقط ۳/۷ میلیون نفر در این بخش کار می‌کردند.

بخش صنعت، به شمول استخراج معدن، آب، برق، گاز و ساختمان، ارقام مطلق شاغلان خود را طی ۴۰ ساله‌ی بین ۱۳۴۵ و ۱۳۸۵، تقریباً ۳/۵ برابر کرده و از ۱/۹ میلیون نفر به ۶/۵ میلیون نفر رسانده است. سهم شاغلین این بخش از کل شاغلین کشور نیز، با اندکی افزایش، از ۲۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۵ ارتقا یافته است. سهم بخش صنعت از تولید ناخالص ملی، بدون محاسبه‌ی بخش نفت، در سال ۱۳۴۵ برابر با ۱۶ درصد و در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۳ درصد بود. تولید این بخش در فاصله‌ی ۴۰ سال با قیمت‌های ثابت ۱۶ برابر گشته است.

برنده‌ی اصلی تجدید سهم‌بندی نیروی کار بخش خدمات است. سهم بخش خدمات از جمعیت شاغل با روندی مرتب و دایمی و به شدت افزایش یافته و از ۲۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده، یعنی دوبرابر شده است. به لحاظ ارقام مطلق نیز ۱/۷ میلیون نفر شاغل این بخش در سال ۱۳۴۵ به ۹/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده، یعنی تقریباً ۶ برابر شده است. ولی سهم این بخش از تولید ناخالص ملی، در مقایسه با بخش صنعت، کمتر افزایش یافته است. تولید بخش خدمات در فاصله‌ی ۴۰ سال با قیمت‌های ثابت ۷/۵ برابر گشته و سهم آن از تولید ناخالص ملی، بدون محاسبه‌ی بخش نفت، از ۵۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

در نگاهی کوتاه از این زاویه، سال ۱۳۵۵ سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص ملی، بدون محاسبه‌ی نفت، به قیمت‌های جاری ۱۶ درصد، سهم بخش صنعت ۲۷ درصد و سهم بخش خدمات ۶۱ درصد بود. ۳۴ درصد از کل جمعیت شاغل کشور در بخش کشاورزی کار می‌کرد، ۳۴ درصد در بخش صنعت و ۳۱ درصد در بخش خدمات. و تصویر وضع موجود ایران چنین است، از تولید ناخالص ملی به قیمت‌های جاری، بدون محاسبه‌ی نفت، بخش کشاورزی ۱۴ درصد سهم دارد، بخش صنعت ۲۳ درصد و بخش خدمات ۶۶ درصد، یعنی به تنهایی تقریباً دوبرابر مجموع دو بخش دیگر. از کل جمعیت شاغل کشور در بخش کشاورزی ۱۸ درصد، در بخش صنعت ۳۲ درصد و در بخش خدمات ۴۸ درصد کار می‌کنند. همان‌گونه که به روشنی دیده می‌شود تغییرات در عرصه‌ی شاغلان بسیار بیش‌تر دیده می‌شود تا تغییرات در عرصه‌ی سهم از تولید ناخالص ملی.

جدول ۱۴ - توزیع شاغلان کشور برحسب سه بخش عمده فعالیت اقتصادی (ارقام: هزار نفر)

گروه‌های عمده فعالیت	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۷,۱۱۶	۸,۷۹۹	۱۱,۰۰۲	۱۴,۵۷۲	۲۰,۴۷۶
کشاورزی	۳,۳۸۰	۲,۹۹۲	۳,۱۹۱	۳,۳۵۷	۳,۶۸۷
صنعت	۱,۸۵۷	۳,۰۱۲	۲,۷۸۱	۴,۴۷۳	۶,۴۹۳
خدمات	۱,۷۰۶	۲,۷۲۱	۴,۶۷۰	۶,۴۸۴	۹,۸۰۹
فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	۱۷۴	۷۵	۳۶۰	۲۵۷	۴۸۸

جدول ۱۵ - توزیع شاغلان کشور برحسب سه بخش عمده فعالیت اقتصادی (ارقام: درصد)

گروه‌های عمده فعالیت	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
کشاورزی	۴۷/۵	۳۴/۰	۲۹/۰	۲۳/۰	۱۸/۰
صنعت	۲۶/۱	۳۴/۲	۲۵/۳	۳۰/۷	۳۱/۷
خدمات	۲۴/۰	۳۰/۹	۴۲/۵	۴۴/۵	۴۷/۹
فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	۲/۴	۰/۸	۳/۳	۱/۸	۲/۴

شاغلان کشور و گروه های عمده شغلی

یکی از پارامترهای مهم در طبقه‌بندی جمعیت شاغل، گروه‌های عمده شغلی است. بررسی جمعیت شاغل در این زمینه نشان می‌دهد سهم مقامات عالی رتبه و مدیران از کل جمعیت شاغل در فاصله‌ی ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به شدت کاهش یافت و از ۲۲۱ هزار نفر به ۴۱ هزار نفر، و از ۳ درصد به نیم درصد رسید. ولی این روند در ۳۰ ساله‌ی بعدی برعکس شد و در سال ۱۳۸۵ سهم ۶۰۸ هزار نفر شاغلین به عنوان مقامات عالی رتبه و مدیران، از کل جمعیت شاغل، دوباره به ۳ درصد رسید. در سال ۱۳۴۵ کارمندان و کارگران کم تخصص و بی تخصص با تعداد بیش از ۶ میلیون نفر حدود ۹۰ درصد شاغلان را بالغ می‌شد، این بخش از شاغلان در سال ۱۳۸۵ به لحاظ تعداد حدود ۱۶ میلیون نفر بود و ۷۷ درصد کل شاغلان را در بر می‌گرفت. چنان‌که دیده می‌شود، سهم این بخش از شاغلان نسبت به ۴۰ سال پیش ۱۳ درصد کاهش یافته است. در برابر سهم متخصصان و تکنسین‌ها در این مدت افزایش چشمگیری یافته و از ۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. تعداد شاغلین متخصص و تکنسین در سال ۱۳۴۵ حدود ۲۰۰ هزار نفر بود و در سال ۱۳۸۵ تقریباً ۱۵ برابر شده و به ۳ میلیون نفر افزایش یافته است.

جدول ۱۶ - توزیع شاغلان کشور برحسب گروه های عمده شغلی (ارقام: هزار نفر)

گروه های عمده شغلی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۷.۱۱۶	۸.۷۹۹		۱۴.۵۷۲	۲۰.۴۷۶
مقامات عالی رتبه و مدیران	۲۲۱	۴۱		۳۲۵	۶۰۸
متخصصان و تکنسین ها	۲۱۱	۵۵۶		۱.۷۲۱	۳.۰۱۳
کم تخصص و بی تخصص	۶.۴۱۸	۷.۷۵۹		۱۱.۳۱۳	۱۵.۷۵۷
سایر و اظهار نشده	۲۶۷	۴۴۴		۱.۲۱۳	۱.۰۹۹

جدول ۱۷ - توزیع شاغلان کشور برحسب گروه های عمده شغلی (ارقام: درصد)

گروه های عمده شغلی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
مقامات عالی رتبه و مدیران	۳/۱	۰/۵		۲/۲	۳/۰
متخصصان و تکنسین ها	۳/۰	۶/۳		۱۱/۸	۱۴/۷
کم تخصص و بی تخصص	۹۰/۲	۸۸/۲		۷۷/۶	۷۷/۰
سایر و اظهار نشده	۳/۸	۵/۰		۸/۳	۵/۴

شاغلان کشور و وضع شغلی

پارامتر مهم دیگر در طبقه‌بندی جمعیت شاغل، وضع شغلی شاغلان است. در سال ۱۳۴۵ حدود ۹۰ درصد شاغلان کل کشور (۶/۴ میلیون نفر) در بخش خصوصی شاغل بودند و حدود ۱۰ درصد (۷۰۰ هزار نفر) در بخش دولتی. طی ده سال یک میلیون نفر جذب کار در بخش دولتی شد و سهم آن را با ۱/۷ میلیون نفر، در سال ۱۳۵۵ تقریباً به ۲۰ درصد رساند. دهمساله‌ی بعد روند به همین صورت ادامه یافت و سهم شاغلان بخش دولتی (مزدو حقوق بگیران بخش عمومی) از کل شاغلان کشور به بالای ۳۰ درصد رسید. در دو دهه‌ی بین ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵ این روند، علی‌رغم افزایش عددی این بخش از شاغلان، به لحاظ سهمی متوقف و در جهت عکس حرکت کرد و سهم بخش دولتی از شاغلان کشور در سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۵ درصد کاهش یافت. ولی با وجود این کاهش، بخش دولتی با حدود ۵ میلیون نفر شاغل در سال ۱۳۸۵ حدود یک‌چهارم جمعیت شاغل کشور را در خدمت داشت.

کارفرمایان که در آستانه‌ی انقلاب حدود ۱۸۰ هزار نفر بودند، ۸ سال پس از انقلاب تقریباً دو برابر شدند، ولی تغییر انفجاری در این بخش در دهه‌ی آخر مورد بررسی اتفاق افتاد و از نیم میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسید یعنی فقط طی ۱۰ سال ۳ برابر شد. بررسی تغییر این بخش از شاغلان به لحاظ سهم از کل شاغلان، نشان می‌دهد که این بخش در آستانه‌ی انقلاب ۲/۲ درصد شاغلان را در بر می‌گرفت، ۸ سال پس از انقلاب ۳/۱ درصد شد و اکنون ۷/۵ درصد.

تعداد کارکنان مستقل در سال ۱۳۴۵ حدود ۲/۸ میلیون نفر بود. در ده سال بین دو سرشماری این تعداد رشد بسیار کمی داشت، در نتیجه سهم آن از کل شاغلان کشور از ۳۹ درصد به ۳۲ درصد در آستانه‌ی انقلاب کاهش یافت. ده ساله‌ی بعدی روند کاملاً برعکس شد و با پیوستن ۱/۵ میلیون نفر به این بخش، سهم آن به ۴۰ درصد رسید (رقمی بالاتر از سال ۱۳۴۵). دهه‌ی دوم پس از انقلاب فقط ۸۰۰ هزار نفر به این جمع پیوست و سهم آن از کل شاغلان به ۳۶ درصد کاهش یافت و در دهه‌ی آخر این سهم تقریباً ثابت ماند. در سال ۱۳۸۵ جمع شاغلان این بخش با ۷/۴ میلیون نفر معادل ۳۶ درصد کل شاغلان کشور بوده است.

روند تغییر در کارکنان فامیلی بدون مزد، که در حقیقت دریافت کنندگان مزد غیرنقدی بوده و بیش‌ترین آن‌ها در بخش کشاورزی و تعداد قابل توجهی در بخش خرده‌فروشی شاغل هستند، روندی کاملی رو به کاهش بوده است. این بخش از شاغلان که در آستانه‌ی انقلاب با یک میلیون نفر شاغل سهمی ۱۲ درصدی از شاغلان کل کشور داشت، دهه‌ی نخست پس از انقلاب به زیر نیم میلیون نفر رسید و آبان ماه سال ۱۳۸۵ با کمتر از ۷۰۰ هزار نفر شاغل (تعدادی بسیار کمتر از سال ۱۳۵۵) سهمی معادل ۳/۳ درصد از کل شاغلان کشور داشت. حدود ۶۵ درصد از کارکنان فامیلی بدون مزد در سال ۱۳۸۵ در بخش کشاورزی کار می‌کردند.

کل مزد و حقوق بگیران، شامل مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی و مزدو حقوق بگیران بخش عمومی، در مجموع بیشترین سهم از شاغلان کشور را شامل می‌شوند. این بخش در سال ۱۳۴۵ کمی زیر ۵۰ درصد از شاغلان را در بر می‌گرفت و با کم و زیاد شدن‌های اندک طی ۴۰ سال، در سال ۱۳۸۵ کمی بیش‌تر از ۵۰ درصد بود. به این ترتیب به لحاظ ارقام مطلق رشدی معادل رشد کل شاغلان را داشته، تقریباً ۳ برابر شده و از ۳/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۰/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با توجه به این واقعیت می‌توان به روشنی دریافت که تغییرات مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی و تغییرات مزدو حقوق بگیران بخش عمومی، در جهت عکس هم حرکت می‌کنند. بالاتر در باره‌ی مزدو حقوق بگیران بخش عمومی زیر عنوان شاغلان بخش دولتی گفته شد که به لحاظ عددی و به لحاظ سهم از کل شاغلان رشد چشمگیری داشته است. وضع در مورد مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی به گونه‌ی دیگری است. این بخش در سال ۱۳۴۵ سهمی ۳۸ درصدی از شاغلان کشور داشت و در دهه‌ی پیش از انقلاب با اندکی کاهش به ۳۵ درصد رسید. تعداد مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی در آستانه‌ی انقلاب ۳ میلیون نفر بود که با افتی شدید، در سال ۱۳۶۵ زیر ۲ میلیون نفر رسید و سهم آن از کل شاغلان کشور، با کاهشی عظیم، نصف شد و به ۱۷ درصد سقوط کرد. دو دهه‌ی پس از انقلاب سهم مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی در بین شاغلان رو به افزایش نهاد و در سال ۱۳۸۵ با ۵/۵ میلیون نفر به ۲۷ درصد رسید، اما هنوز نسبت به پیش از انقلاب در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارد.

جدول ۱۸ - توزیع شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر کشور برحسب وضع شغلی (ارقام: هزار نفر)

وضع شغلی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۷,۱۱۶	۸,۷۹۹	۱۱,۰۰۲	۱۴,۵۷۲	۲۰,۴۷۶
بخش خصوصی	۶,۳۷۹	۷,۰۸۵	۷,۰۹۰	۹,۸۵۱	۱۵,۰۶۴
کارفرمایان	۱۵۸	۱۸۲	۳۴۱	۵۲۸	۱,۵۳۰
کارکنان مستقل	۲,۷۵۹	۲,۸۱۰	۴,۳۹۱	۵,۱۹۹	۷,۳۶۶
مزدو حقوق بگیران	۲,۷۳۵	۳,۰۷۲	۱,۸۷۴	۳,۳۲۷	۵,۴۸۵
کارکنان فامیلی بدون مزد	۷۲۷	۱,۰۲۱	۴۸۴	۷۹۷	۶۸۳
مزدو حقوق بگیران بخش عمومی	۶۸۸	۱,۶۷۳	۳,۴۵۴	۴,۲۵۸	۵,۰۲۵
اظهار نشده	۴۹	۴۱	۴۵۸	۴۶۳	۳۸۷

جدول ۱۹ - توزیع شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر کشور برحسب وضع شغلی (ارقام: درصد)

وضع شغلی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت شاغل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
بخش خصوصی	۸۹/۶	۸۰/۵	۶۴/۴	۶۷/۶	۷۳/۶
کارفرمایان	۲/۲	۲/۱	۳/۱	۳/۶	۷/۵
کارکنان مستقل	۳۸/۸	۳۱/۹	۳۹/۹	۳۵/۷	۳۶/۰
مزدو حقوق بگیران	۳۸/۴	۳۴/۹	۱۷/۰	۲۲/۸	۲۶/۸
کارکنان فامیلی بدون مزد	۱۰/۲	۱۱/۶	۴/۴	۵/۵	۳/۳
مزدو حقوق بگیران بخش عمومی	۹/۷	۱۹/۰	۳۱/۴	۲۹/۲	۲۴/۵
اظهار نشده	۰/۷	۰/۵	۴/۲	۳/۲	۱/۹

شاغلان و وضع سواد

جمعیت شاغل کشور به لحاظ سواد از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار است. در سال ۱۳۸۵ حدود ۸۸ درصد شاغلین کل کشور باسواد بودند، ۴۲ درصد دارای سواد متوسطه به بالا (۲۵ درصد سواد متوسطه، ۱ درصد سواد پیش‌دانشگاهی و ۱۷ درصد سواد دانشگاهی). در این مقطع حدود یک درصد بیسوادی بین مقامات عالی رتبه و مدیران، و نیم درصد بیسوادی بین متخصصان و تکنسین‌ها گزارش شده است. ۶۶ درصد متخصصان و تکنسین‌ها و ۵۷ درصد مقامات عالی رتبه و مدیران سواد دانشگاهی داشته‌اند. از شاغلانی که به عنوان کم تخصص و بی تخصص به کار گمارده شده‌اند، ۵ درصد دارای سواد دانشگاهی و ۵۰ درصد دارای سواد راهنمایی و متوسطه بوده‌اند.

در سال ۱۳۸۵ میزان کلی باسوادی در بین شاغلان مناطق شهری ۹۳ درصد و در بین شاغلان روستایی پایین‌تر و معادل ۷۷ درصد بود. در این مقطع، به لحاظ سطح سواد تفاوت بسیار چشمگیرتر است. ۵۳ درصد شاغلان مناطق شهری سواد متوسطه به بالا داشتند (۳۰ درصد سواد متوسطه، ۱ درصد پیش‌دانشگاهی و ۲۲ درصد سواد دانشگاهی). در حالی که فقط ۲۰ درصد شاغلان روستایی سواد متوسطه به بالا داشتند (۱۶ درصد سواد متوسطه، ۱ درصد سواد پیش‌دانشگاهی و ۴ درصد سواد دانشگاهی).

در سال ۱۳۸۵ میزان کلی باسوادی بین زنان و مردان شاغل همانند بود، ولی درصد بسیار بالاتری از زنان نسبت به مردان از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بودند. در مقطع آخرین سرشماری، تقریباً ۶۰ درصد زنان شاغل سواد متوسطه به بالا داشتند (۲۲ درصد سواد متوسطه، ۱/۵ درصد پیش‌دانشگاهی و ۳۷ درصد سواد دانشگاهی). در حالی که فقط ۴۰ درصد مردان شاغل دارای سواد متوسطه به بالا بودند (۲۶ درصد سواد متوسطه، ۱ درصد پیش‌دانشگاهی و ۱۳ درصد سواد دانشگاهی). درصد تحصیلات دانشگاهی بین زنان شاغل تقریباً ۳ برابر درصد مربوط به مردان شاغل بود (۳۷ درصد در برابر ۱۳ درصد).

جدول ۲۰ - توزیع جمعیت شاغل کشور برحسب گروه های عمده‌ی شغلی و سطح سواد و به تفکیک شهر و روستا (۱۳۸۵)
(ارقام: هزار نفر)

بی‌سواد	پاسواد								جمع	
	سایر دوره های تحصیلی نامشخص و اظهار نشده	سوادآموزی بزرگسالان	عالی	پیش دانشگاهی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	جمع		
کل کشور										
۲۰۴۹۵	۴۵۳	۴۵۶	۳۰۳۱۶	۱۶۸	۵۰۲۱۱	۴۰۳۴۲	۴۰۰۳۶	۱۷۰۹۸۲	۲۰۰۴۷۶	کل شاغلان
۵	۱۱	۲	۳۴۶	۳	۱۶۸	۴۳	۳۰	۶۰۳	۶۰۸	فانویگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۱۶	۴۶	۷	۱۰۹۹۵	۲۴	۷۰۴	۱۴۳	۷۷	۲۰۹۹۷	۳۰۱۳	متخصصان و تکنسین ها
۲۰۴۱۰	۳۳۶	۴۴۰	۷۴۵	۱۱۴	۳۰۹۲۷	۳۰۹۴۸	۳۰۸۳۶	۱۳۰۳۴۷	۱۵۰۷۵۷	کم تخصص و بی تخصص
۶۴	۶۰	۷	۲۲۹	۲۷	۴۱۲	۲۰۷	۹۲	۱۰۰۳۵	۱۰۰۹۹	سایر و اظهار نشده
نقاط شهری										
۱۰۰۰۵	۳۰۲	۲۲۰	۳۰۰۴۳	۱۲۱	۴۰۲۰۹	۲۰۹۰۶	۲۰۲۴۰	۱۳۰۰۴۱	۱۴۰۰۴۷	کل شاغلان
۴	۱۰	۲	۳۲۷	۳	۱۵۴	۳۷	۲۵	۵۵۶	۵۶۰	فانویگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۱۲	۴۰	۵	۱۰۸۴۶	۲۰	۶۲۸	۱۲۰	۶۲	۲۰۷۲۱	۲۰۷۳۳	متخصصان و تکنسین ها
۹۵۷	۲۰۸	۲۰۹	۶۷۴	۷۹	۳۰۱۲۳	۲۰۶۲۵	۲۰۱۰۳	۹۰۰۲۱	۹۰۹۷۸	کم تخصص و بی تخصص
۳۲	۴۴	۴	۱۹۷	۱۹	۳۰۴	۱۲۴	۵۱	۷۴۳	۷۷۵	سایر و اظهار نشده
نقاط روستایی و غیرساکن										
۱۰۴۹۰	۱۵۰	۲۳۶	۲۷۳	۴۷	۱۰۰۰۳	۱۰۴۳۶	۱۰۷۹۵	۴۰۹۴۰	۶۰۴۳۰	کل شاغلان
۱	۱	۱	۱۹	۰	۱۴	۶	۵	۴۶	۴۸	فانویگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۳	۵	۲	۱۴۹	۴	۷۷	۲۳	۱۵	۲۷۶	۲۸۰	متخصصان و تکنسین ها
۱۰۴۵۳	۱۲۸	۲۳۱	۷۱	۳۵	۸۰۳	۱۰۳۲۳	۱۰۷۳۳	۴۰۳۲۵	۵۰۷۷۹	کم تخصص و بی تخصص
۳۲	۱۶	۳	۳۲	۷	۱۰۹	۸۴	۴۱	۲۹۲	۳۲۴	سایر و اظهار نشده

جدول ۲۱ - توزیع جمعیت شاغل کشور برحسب گروه های عمده‌ی شغلی و سطح سواد و به تفکیک شهر و روستا (۱۳۸۵)
(ارقام: درصد)

بی سواد	پاسواد							جمع		
	سایر دوره های تحصیلی نامشخص و اظهار نشده	سوادآموزی بزرگسالان	عالی	پیش دانشگاهی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی			
کل کشور										
۱۲/۲	۲/۲	۲/۲	۱۶/۲	۰/۸	۲۵/۵	۲۱/۲	۱۹/۷	۸۷/۸	۱۰۰/۰	کل شاغلان
۰/۸	۱/۸	۰/۴	۵۶/۹	۰/۵	۲۷/۶	۷/۱	۴/۹	۹۹/۲	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۰/۵	۱/۵	۰/۲	۶۶/۲	۰/۸	۲۳/۴	۴/۸	۲/۶	۹۹/۵	۱۰۰/۰	مختصان و تکنسین ها
۱۵/۳	۲/۱	۲/۸	۴/۷	۰/۷	۲۴/۹	۲۵/۱	۲۴/۳	۸۴/۷	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۵/۸	۵/۵	۰/۶	۲۰/۹	۲/۴	۳۷/۵	۱۸/۹	۸/۴	۹۴/۲	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده
نقاط شهری										
۷/۲	۲/۲	۱/۶	۲۱/۷	۰/۹	۳۰/۰	۲۰/۷	۱۵/۹	۹۲/۸	۱۰۰/۰	کل شاغلان
۰/۷	۱/۷	۰/۳	۵۸/۳	۰/۵	۲۷/۵	۶/۶	۴/۴	۹۹/۳	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۰/۴	۱/۵	۰/۲	۶۷/۵	۰/۷	۲۳/۰	۴/۴	۲/۳	۹۹/۶	۱۰۰/۰	مختصان و تکنسین ها
۹/۶	۲/۱	۲/۱	۶/۸	۰/۸	۳۱/۳	۲۶/۳	۲۱/۱	۹۰/۴	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۴/۱	۵/۷	۰/۵	۲۵/۴	۲/۵	۳۹/۲	۱۶/۰	۶/۵	۹۵/۹	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده
نقاط روستایی و غیر ساکن										
۲۳/۲	۲/۳	۳/۷	۴/۲	۰/۷	۱۵/۶	۲۲/۳	۲۷/۹	۷۶/۸	۱۰۰/۰	کل شاغلان
۲/۳	۲/۱	۱/۱	۴۰/۳	۰/۹	۲۸/۹	۱۳/۴	۱۱/۱	۹۷/۷	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران
۱/۲	۱/۹	۰/۶	۵۳/۴	۱/۶	۲۷/۵	۸/۳	۵/۵	۹۸/۸	۱۰۰/۰	مختصان و تکنسین ها
۲۵/۲	۲/۲	۴/۰	۱/۲	۰/۶	۱۳/۹	۲۲/۹	۳۰/۰	۷۴/۸	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۹/۸	۴/۸	۰/۹	۱۰/۰	۲/۲	۳۳/۵	۲۵/۸	۱۲/۸	۹۰/۲	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده

جدول ۲۲ - توزیع جمعیت شاغل کشور برحسب گروه های عمده‌ی شغلی و سطح سواد و به تفکیک زن و مرد (۱۳۸۵)
(ارقام: هزار نفر)

بی‌سواد	پاسواد								جمع	
	سایر دوره های تحصیلی نامشخص و اظهار نشده	سوادآموزی بزرگسالان	عالی	پیش دانشگاهی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	جمع		
مرد و زن										
کل شاغلان	۲۰.۴۷۶	۱۷.۹۸۲	۴.۰۳۶	۴.۳۴۲	۵.۲۱۱	۱۶۸	۳.۳۱۶	۴۵۶	۴۵۳	۲.۴۹۵
قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران	۶۰۸	۶۰۳	۳۰	۴۳	۱۶۸	۳	۳۴۶	۲	۱۱	۵
متخصصان و تکنسین ها	۳.۰۱۳	۲.۹۹۷	۷۷	۱۴۳	۷۰۴	۲۴	۱.۹۹۵	۷	۴۶	۱۶
کم تخصص و بی تخصص	۱۵.۷۵۷	۱۳.۳۴۷	۳.۸۳۶	۳.۹۴۸	۳.۹۲۷	۱۱۴	۷۴۵	۴۴۰	۳۳۶	۲.۴۱۰
سایر و اظهار نشده	۱.۰۹۹	۱.۰۳۵	۹۲	۲۰۷	۴۱۲	۲۷	۲۲۹	۷	۶۰	۶۴
مرد										
کل شاغلان	۱۷.۶۹۵	۱۵.۵۴۲	۳.۶۷۳	۴.۰۸۸	۴.۵۹۲	۱۲۷	۲.۲۹۶	۳۵۸	۴۰۸	۲.۱۵۳
قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران	۵۱۴	۵۰۹	۲۹	۴۲	۱۵۱	۲	۲۷۳	۲	۹	۵
متخصصان و تکنسین ها	۱.۹۷۷	۱.۹۶۲	۶۸	۱۲۳	۵۱۴	۱۳	۱.۲۰۵	۶	۳۳	۱۵
کم تخصص و بی تخصص	۱۴.۲۱۱	۱۲.۱۲۵	۳.۴۹۴	۳.۷۲۶	۳.۵۴۶	۹۰	۶۱۰	۳۴۵	۳۱۳	۲.۰۸۷
سایر و اظهار نشده	۹۹۲	۹۴۶	۸۲	۱۹۶	۳۸۲	۲۲	۲۰۷	۵	۵۳	۴۶
زن										
کل شاغلان	۲.۷۸۲	۲.۴۴۰	۳۶۲	۲۵۵	۶۱۹	۴۱	۱.۰۲۰	۹۸	۴۵	۳۴۲
قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومديران	۹۴	۹۳	۱	۱	۱۷	۱	۷۳	۰	۱	۰
متخصصان و تکنسین ها	۱.۰۳۶	۱.۰۳۶	۹	۲۰	۱۹۱	۱۲	۷۹۰	۱	۱۳	۱
کم تخصص و بی تخصص	۱.۵۴۶	۱.۲۲۲	۳۴۲	۲۲۲	۳۸۱	۲۴	۱۳۵	۹۵	۲۳	۳۲۴
سایر و اظهار نشده	۱۰۷	۸۹	۱۰	۱۱	۳۰	۵	۲۲	۲	۷	۱۸

جدول ۲۳ - توزیع جمعیت شاغل کشور برحسب گروه های عمده‌ی شغلی و سطح سواد و به تفکیک زن و مرد (۱۳۸۵)
(ارقام: درصد)

بی‌سواد	باسواد								جمع	
	سایر دوره های تحصیلی نامشخص و اظهار نشده	سوادآموزی بزرگسالان	عالی	پیش دانشگاهی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	جمع		
مرد و زن										
کل شاغلان										
۱۲/۲	۲/۲	۲/۲	۱۶/۲	۰/۸	۲۵/۵	۲۱/۲	۱۹/۷	۸۷/۸	۱۰۰/۰	
۰/۸	۱/۸	۰/۴	۵۶/۹	۰/۵	۲۷/۶	۷/۱	۴/۹	۹۹/۲	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه و مدیران
۰/۵	۱/۵	۰/۲	۶۶/۲	۰/۸	۲۳/۴	۴/۸	۲/۶	۹۹/۵	۱۰۰/۰	متخصصان و تکنسین ها
۱۵/۳	۲/۱	۲/۸	۴/۷	۰/۷	۲۴/۹	۲۵/۱	۲۴/۳	۸۴/۷	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۵/۸	۵/۵	۰/۶	۲۰/۹	۲/۴	۳۷/۵	۱۸/۹	۸/۴	۹۴/۲	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده
مرد										
کل شاغلان										
۱۲/۲	۲/۳	۲/۰	۱۳/۰	۰/۷	۲۶/۰	۲۳/۱	۲۰/۸	۸۷/۸	۱۰۰/۰	
۰/۹	۱/۸	۰/۴	۵۳/۲	۰/۵	۲۹/۳	۸/۱	۵/۷	۹۹/۱	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه و مدیران
۰/۸	۱/۷	۰/۳	۶۱/۰	۰/۶	۲۶/۰	۶/۲	۳/۵	۹۹/۲	۱۰۰/۰	متخصصان و تکنسین ها
۱۴/۷	۲/۲	۲/۴	۴/۳	۰/۶	۲۵/۰	۲۶/۲	۲۴/۶	۸۵/۳	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۴/۷	۵/۳	۰/۵	۲۰/۹	۲/۲	۳۸/۵	۱۹/۸	۸/۳	۹۵/۳	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده
زن										
کل شاغلان										
۱۲/۳	۱/۶	۳/۵	۳۶/۷	۱/۵	۲۲/۳	۹/۲	۱۳/۰	۸۷/۷	۱۰۰/۰	
۰/۲	۱/۳	۰/۰	۷۷/۶	۰/۵	۱۸/۴	۱/۳	۰/۷	۹۹/۸	۱۰۰/۰	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه و مدیران
۰/۱	۱/۲	۰/۱	۷۶/۲	۱/۱	۱۸/۴	۱/۹	۰/۹	۹۹/۹	۱۰۰/۰	متخصصان و تکنسین ها
۲۰/۹	۱/۵	۶/۱	۸/۷	۱/۵	۲۴/۷	۱۴/۴	۲۲/۱	۷۹/۱	۱۰۰/۰	کم تخصص و بی تخصص
۱۶/۶	۶/۹	۲/۳	۲۰/۹	۴/۶	۲۸/۶	۱۰/۶	۹/۵	۸۳/۴	۱۰۰/۰	سایر و اظهار نشده

۳ - طبقات

تیپولوژی طبقاتی

از آنجایی که هدف این نوشته بحث نظری نیست، برای ارائه‌ی شمایی از وضعیت طبقاتی ایران، به حاصل کار استادان گرانقدر فرهاد نعمانی و سهراب بهداد در کتاب "طبقه و کار در ایران، تأثیرات انقلاب" * متوسل می‌شوم. در کتاب نامبرده، فصل مفصلی به بحث در مورد آخرین نظریه‌های محققان در باره‌ی شناخت طبقات اختصاص یافته و در پایان فصل، حاصل بحث‌ها در جدولی به نام تیپولوژی طبقاتی خلاصه شده است که در پایین ملاحظه می‌شود.

* Class and labor in Iran: did the revolution matter? / Syracuse University / New York
First edition 2006

جدول ۲۴ - تیپولوژی طبقاتی

ترجمه از کتاب "طبقه و کار در ایران، تأثیرات انقلاب" تألیف فرهاد نعمانی و سهراب بهداد، چاپ انگلیسی، صفحه‌ی ۳۰ [مطالب درون گروه از من است. فرهادی]

رابطه با وسایل فعالیت های اقتصادی					
مالک			[غیر مالک] استخدام شده		
[رابطه با استخدام نیروی کار]	نیروی کار استخدام می‌کند	۱	۳	۵	دارای اتوریتیه
	نیروی کار استخدام نمی‌کند	۲	۴	۶	بدون اتوریتیه
		سرمایه دارها	مدیران [ارشد]: خصوصی و دولتی (سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی)	مدیران کم تخصص [غیر ارشد]: خصوصی و دولتی (سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی)	
		خرده سرمایه دار (خرده بورژوا)	کارکنان متخصص و ماهر: خصوصی و دولتی (سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی)	[کارمندان ساده و] کارگران: خصوصی و دولتی (سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی)	
			دارای تخصص	کم تخصص و بی تخصص	
			رابطه با تخصص و استقلال [ناشی از تخصص در کار]		

در این جدول، که الگوی قابل تکیه‌ای برای طبقه‌بندی آمارهای نیروی کار و شناخت آماری و مقداری طبقات در جامعه ارایه می‌دهد، برای گروه‌بندی نیروی کار در چارچوب طبقات اجتماعی، ۴ معیار در نظر گرفته شده است.

- نخستین معیار، رابطه‌ی حقوقی با وسایل فعالیت‌های اقتصادی است. انسانهایی که وارد روابط اقتصادی، یعنی تولید و توزیع کالاها و خدمات، در جامعه می‌شوند با مالک وسایل فعالیت های اقتصادی هستند یا فاقد مالکیت آن‌ها بوده و توسط مالکان آن‌ها در برابر پرداخت مزد و حقوق به کار گرفته می‌شوند. این اصلی ترین معیار گروه‌بندی از منظر طبقاتی است و نیروی کار جامعه را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کند.

- معیار دوم عبارت است از به کار گرفتن نیروی کار مزد و حقوق بگیر از سوی مالکان وسایل فعالیت های اقتصادی. آن مالکان وسایل فعالیت های اقتصادی که نیروی کار مزد و حقوق بگیر به کار می‌گیرند، و در کشورهای مختلف عمدتاً با عنوان کلی کارفرما شناخته می‌شوند، طبقه‌ی سرمایه‌دار یا بورژوازی را تشکیل می‌دهند. آن مالکان وسایل فعالیت های اقتصادی که نیروی کار مزد و حقوق بگیر به کار نمی‌گیرند و خود شخصا با وسایل تحت مالکیت خود به فعالیت اقتصادی می‌پردازند، و در کشورهای مختلف عمدتاً با عنوان کلی کارکنان مستقل شناخته می‌شوند، طبقه‌ی خرده‌بورژوازی را تشکیل می‌دهند. این که هر یک از این طبقات با توجه به حیطه‌ی عمل خود به زیر بخش‌های دیگر تقسیم می‌شوند، مانند بورژوازی تجاری یا بورژوازی صنعتی ... و همچنین خرده‌بورژوازی کشاورزی، یا تجاری و غیره، فعلاً مورد بحث ما نیست.

- سومین معیار موقعیت یا اتوریتیه در سلسله مراتب سازمان کار برای شاغلانی است که فاقد مالکیت وسایل فعالیت های اقتصادی بوده و در برابر دریافت مزد و حقوق کار می‌کنند. این شاغلان برپایه‌ی این معیار به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروهی که در موقعیت مدیریت سازمان کار، در موسسات بخش خصوصی یا بخش دولتی، قرار دارند، و گروهی که در چنین موقعیتی نیستند.

- بالاخره چهارمین معیار تخصص است. دو گروه حاصل از طبقه‌بندی برپایه‌ی معیار سوم یعنی اتوریتیه، برپایه‌ی برخورداری یا عدم برخورداری از تخصص، امکان به دست آوردن موقعیت متفاوتی در تقسیم کار اجتماعی پیدا می‌کنند. در رابطه با مدیران، معمولاً مدیرانی که از تخصص بالا برخوردارند، موقعیت برتری در سازمان کار دارند و مدیران ارشد خوانده می‌شوند. از بین مزد و حقوق بگیرانی که در موقعیت مدیریت قرار ندارند، آنان که واجد تخصص هستند، متخصصین و تکنیسین‌ها، در سازمان کار از امنیت شغلی بیشتر و استقلال نسبی در شغل برخوردارند، و آنانی که فاقد تخصص هستند، یعنی کارمندان ساده و کارگران، از مزیت امنیت شغلی و استقلال نسبی در شغل بی‌بهره‌اند. مقایسه‌ی امتیازات این دو گروه موضوع بحث کنونی ما نیست.

به این ترتیب، برپایه‌ی معیارهای چهارگانه‌ی بالا، شش گروه قابل تشخیص هستند:

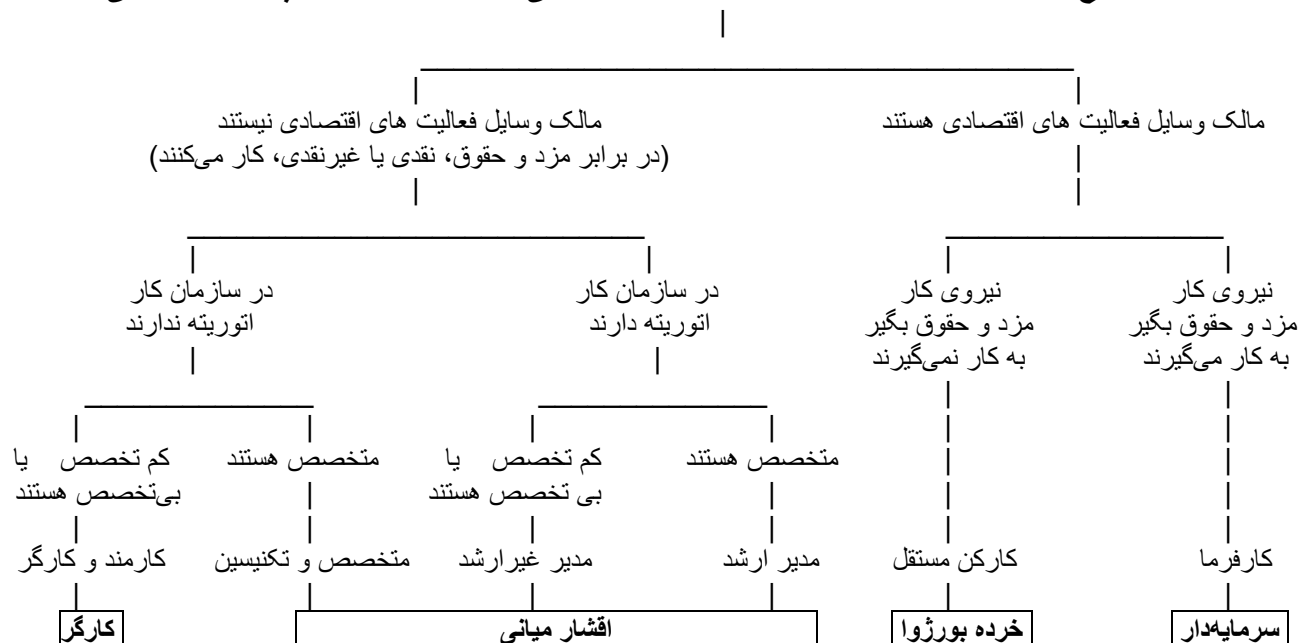
- ۱ - گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی هست و نیروی کار مزد و حقوق بگیر به کار می‌گیرد.
- ۲ - گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی هست ولی نیروی کار دیگری را به کار نمی‌گیرد.
- ۳ - گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی نیست، در برابر دریافت مزد و حقوق کار می‌کند، در سازمان کار در مقام مدیریت قرار دارد و عمدتاً به دلیل برخورداری از تخصص بالا، موقعیت کلیدتری در مدیریت دارد و گروه مدیران ارشد محسوب می‌شود.
- ۴ - گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی نیست، در برابر دریافت مزد و حقوق کار می‌کند، در سازمان کار در مقام مدیریت قرار دارد ولی عمدتاً به دلیل عدم برخورداری از تخصص بالا، موقعیت ویژه‌ای ندارد و گروه مدیران غیرارشد محسوب می‌شود.
- ۵ - گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی نیست، در برابر دریافت مزد و حقوق کار می‌کند، در سازمان کار در مقام مدیریت قرار ندارد ولی از تخصص بالا برخوردار است.
- ۶ - و بالاخره گروهی که مالک وسایل فعالیت های اقتصادی نیست، در برابر دریافت مزد و حقوق کار می‌کند، در سازمان کار در مقام مدیریت قرار ندارد و کم‌تخصص یا غیرمتخصص هست.

گروه نخست طبقه‌ی سرمایه‌دار یا بورژوازی، گروه دوم طبقه‌ی خرده‌بورژوازی و گروه ششم طبقه‌ی کارگر خوانده می‌شوند. سه گروه دیگر، یعنی گروه سوم، چهارم و پنجم با هم، اقلیت میانی را تشکیل می‌دهند (در کتاب جمع این سه گروه طبقه‌ی متوسط نامیده شده است). جدول و نمودار زیر موضوع را روشن‌تر به نمایش می‌گذارند.

جدول ۲۵ - وضع افرادی که وارد روابط اقتصادی در جامعه می‌شوند در رابطه با تیپولوژی طبقاتی

رابطه‌ی حقوقی با وسایل فعالیت های اقتصادی	معیارهای دیگر	عناوین شغلی	موقعیت طبقاتی
مالک وسایل فعالیت های اقتصادی هستند	نیروی کار مزد و حقوق بگیر به کار می‌گیرند	کارفرما	طبقه‌ی سرمایه‌دار
	نیروی کار مزد و حقوق بگیر به کار نمی‌گیرند	کارکن مستقل	طبقه‌ی خرده‌بورژوا
مالک وسایل فعالیت های اقتصادی نیستند	در سازمان کار	مدیر ارشد	اقلیت میانی
	اتوریت دارند	مدیر غیرارشد	
	در سازمان کار	متخصص و تکنیسین	
	اتوریت ندارند	کارمند ساده و کارگر	طبقه‌ی کارگر

نمودار ۱ - وضع افرادی که وارد روابط اقتصادی در جامعه می‌شوند در رابطه با تیپولوژی طبقاتی



محدودیت ها و کمبودها در تطبیق داده‌های آماری شاغلان با تیپولوژی طبقاتی

جدول‌هایی که در این نوشته زیر عنوان "شاغلان" مورد بحث قرار گرفت، آمارهای لازم برای شناخت آماری طبقات را در اختیار می‌گذارند. البته باید یادآوری کرد که معیارها، تعاریف و طبقه‌بندی‌های به کار رفته در سرشماری‌ها، با معیارها، تعاریف و طبقه‌بندی‌های به کار رفته در تیپولوژی طبقاتی مورد استفاده در این نوشته انطباق کامل ندارند. این ناهمخوانی‌ها محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که آگاهی بر آن‌ها لازم است.

به عنوان نمونه، برپایه‌ی تعریف تیپولوژی طبقاتی مورد استناد، سرمایه دار کسی است که مالک وسایل تولید است و نیروی کار در استخدام دارد. تنها گروهی که در جدول‌های سرشماری با این تعریف نزدیک است، گروه شغلی کارفرما می‌باشد. طبق تعریف بکار رفته در سرشماری "کارفرما فرد شاغلی است که برای انجام امور شغلی خود حداقل یک مزد و حقوق بگیر در استخدام دارد". اختلاف در این جا است که طبق تعریف تیپولوژی شرط "شاغل" بودن برای سرمایه‌دار بودن لازم نیست. در تعاریف کلاسیک نیز برای سرمایه‌دار بودن، داشتن شغل ضروری نیست، واقعیت زندگی نیز این امر را تأیید می‌کند که سرمایه‌دار کسی است که مالک وسایل تولید است و نیروی کار در استخدام دارد و از محل تصاحب ارزش اضافی کارکنانی که در استخدام دارد، درآمد لازم برای زندگی و تداوم کار خود و گسترش آن را تأمین می‌کند. این که خود سرمایه‌دار شاغل باشد ایرادی به تعریف فوق وارد نمی‌کند، اما شرط سرمایه‌دار بودن شاغل بودن نیست. در حالی که در سرشماری‌ها، برای این که کسی کارفرما محسوب شود، باید خود شاغل باشد. نمونه‌ی دیگر، در طبقه‌بندی‌های به کار رفته در سرشماری‌ها، یکی از زیرگروه‌های "جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی" عبارت است از "جمعیت دارای درآمد بدون کار". این زیرگروه در سرشماری‌ها چنین تعریف شده است: "کسانی که شاغل، بیکار (جویای کار)، خانه‌دار و محصل محسوب نمی‌شوند و دارای درآمد حاصل از بازنشستگی، املاک و مستغلات، سود سهام، سپرده‌ها و ... هستند، دارای درآمد بدون کار محسوب می‌شوند". همان‌گونه که از تعریف برمی‌آید، بخشی از افراد این گروه دارای درآمد حاصل از ... املاک و مستغلات، سود سهام و سپرده‌ها هستند، که می‌توانند جزو سرمایه‌داران طبقه‌بندی شوند، و بخشی از محل بازنشستگی و غیره امرار معاش می‌کنند، که ربطی به سرمایه‌داری ندارد. تفکیک این گروه، که تعداد افراد آن در سال ۱۳۸۵ حدود ۳ میلیون نفر بود، به سرمایه‌دار و غیرسرمایه‌دار، برپایه‌ی اطلاعات انتشاریافته ممکن نیست. این دو نمونه نشان می‌دهند که دقت تعیین آمار طبقه‌ی سرمایه‌دار از دو سو تحدید می‌شود. در مورد طبقات دیگر نیز اشکالات مشابهی وجود دارد.

فزون بر این محدودیت‌ها، اشکالاتی نیز در نظریه‌های بررسی طبقاتی وجود دارد. مهم‌ترین اشکال این است که دو نیروی بسیار بزرگ از جمعیت، که به لحاظ فعل و انفعالات اجتماعی و سیاسی نقش بسیار مهمی دارند، یعنی بیکاران و دانشجویان، از چنین بررسی‌هایی کنار می‌مانند. درحالی که در برخوردهای سیاسی و اجتماعی و در زندگی واقعی، بیکاران در کنار طبقه‌ی کارگر قرار می‌گیرند و دانشجویان در کنار اقشار میانی.

از این محدودیت‌ها موارد دیگری نیز وجود دارد، و همه‌ی طبقه‌بندی‌ها به دقت و طابق نعل به نعل نیستند. طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در این نوشته نیز، که برپایه‌ی اطلاعات و آمارهای انتشاریافته صورت گرفته، با همه‌ی دقت و وسواسی که در آن‌ها به کار رفته، شمای نزدیک به واقعیت را نشان می‌دهند، ولی کامل و بی ایراد نیستند.

نکته‌ی پایانی این پیش درآمد این‌که برای آسانی کار با جدول‌های مربوط به طبقات، نخست باید آمار و ارقام جدول‌های مربوط به یافته‌های آماری سرشماری‌ها، در چند جدول واسطه، خلاصه شوند. از این رو برای پی‌گیری طبقه‌بندی‌های ارائه شده در جدول‌های متن نوشته، مطالعه‌ی جدول‌های پ ۵ تا پ ۱۰، که جدول‌های واسطه هستند و در پایان زیر عنوان "جدول‌های پیوست" آمده‌اند، سودمند می‌باشد.

ساختار طبقاتی کشور از زبان آمار

در سال ۱۳۵۵ در آستانه‌ی انقلاب، ۶۰ درصد جمعیت شاغل ایران جزو طبقه‌ی کارگر، ۳۲ درصد جزو خرده‌بورژوازی، ۶ درصد جزو اقلیت میانی و ۲ درصد جزو طبقه‌ی سرمایه‌دار محسوب می‌شدند. به لحاظ ارقام مطلق، از حدود ۹ میلیون نفر جمعیت شاغل ایران ۵/۲ میلیون نفر طبقه‌ی کارگر، ۲/۸ میلیون نفر خرده‌بورژوا، نیم میلیون نفر اقلیت میانی و حدود ۲۰۰ هزار نفر سرمایه‌دار بودند. اگر تعداد یک میلیون نفر جمعیت بیکار را نیز در نظر بگیریم، سال ۱۳۵۵ طبقه‌ی کارگر و بیکاران با بیش از ۶ میلیون نفر بیش از ۶۰ درصد نیروی فعال اقتصادی جامعه را در بر می‌گرفت. و اگر دانشجویان آن مقطع را به نیم میلیون اقلیت میانی شاغل بیفزاییم، جمع این نیروی اجتماعی هنوز به یک میلیون نفر نیز نمی‌رسید.

لازم است گفته شود که، با توجه به آمارهایی که در جداول سرشماری‌ها ارائه شده‌اند، کارگران کشاورزی که در مقابل مزد برای دیگران کار می‌کردند جزو طبقه‌ی کارگر، دهقانانی که روی زمینی که در اختیار داشتند کار می‌کردند، جزو خرده‌بورژوازی، و بالاخره زمین‌داران دهات، از جمله بازماندگان احتمالی مناسبات ارباب رعیتی، جزو طبقه‌ی سرمایه‌دار شمرده شده‌اند.

۳۰ سال گذشته، ۳۰ سال انقلاب و جنگ و بحران‌های عمیق، تغییرات چشم‌گیری در ساختار طبقاتی ایران به وجود آورده است. در ده ساله‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، از ۳ میلیون نفری که به بازار کار وارد شد، حدود یک میلیون به جمعیت بیکار محقق شد، ۱/۶ میلیون نفر به خرده‌بورژوازی، نزدیک نیم میلیون نفر به اقلیت میانی، طبقه‌ی کارگر نه تنها نیروی جدید جذب نکرد بلکه نزدیک نیم میلیون نفر نیز از دست داد و با ۴/۸ میلیون نفر سهم از ساختار طبقاتی به شدت کاهش یافت و به ۴۴ درصد رسید. افزوده شدن حدود ۳/۵ میلیون نفر طی دو دهه‌ی بعدی به افزایش سهم این طبقه منجر نشد. به طور کلی، طی ۳۰ سال گذشته از ۱۴ میلیون نفری که به جمعیت فعال از نظر اقتصادی افزوده شده، فقط ۳ میلیون نفر به طبقه‌ی کارگر پیوسته است. در آخرین سرشماری سهم طبقه‌ی کارگر از جمعیت شاغل کشور اندکی بالای ۴۰ درصد بود.

برخلاف آنچه که بنظر می‌رسید و آنچه که در نخستین دهه‌ی پس از انقلاب رخ داد، در پایان ۳۰ سال برنده‌ی بزرگ تغییر ساختار طبقاتی خرده‌بورژوازی نبود. در دهه‌ی نخست نصف نیروی وارد شده به بازار کار جذب خرده‌بورژوازی شد و سهمش را به ۴۰ درصد از شاغلین رساند. اما روند به همین صورت ادامه نیافت و رشد سهم خرده‌بورژوازی در دهه‌های بعدی متوقف و سپس به کاهش گرایید. در آبان ۱۳۸۵، خرده‌بورژوازی با ۷/۴ میلیون نفر ۳۶ درصد از جمعیت شاغل را در بر می‌گرفت.

برنده‌ی دیگر این تجدید تقسیم طبقاتی، اقلیت میانی است. اقلیت میانی با حدود نیم میلیون نفر و ۶ درصد سهم از جمعیت شاغل، وارد ۳۰ ساله‌ی پر آشوب انقلاب و جنگ و بحران‌های بزرگ شد، هر دهه افراد خود را تقریباً دوبرابر کرد و با نرخ رشدی پیوسته در آبان‌ماه سال ۱۳۸۵ با ۳ میلیون نفر، سهم خود را در جمعیت شاغل به نزدیک ۱۵ درصد رساند. اگر بخواهیم طبقات اجتماعی را از زاویه‌ی رشد آن‌ها رتبه بندی کنیم، طبقه‌ی خرده‌بورژوازی در رتبه‌ی سوم، و اقلیت میانی در رتبه‌ی دوم قرار می‌گیرد.

برنده‌ی اصلی تجدید تقسیم طبقاتی، طبقه‌ی سرمایه‌دار است که طی ۳۰ سال هم به لحاظ عددی و هم به لحاظ درصدی بسیار گسترش یافته است. این طبقه که در آستانه‌ی انقلاب، با حدود ۲۰۰ هزار نفر ۲ درصد از جمعیت شاغل را تشکیل می‌داد، با جذب ۱۶۰ هزار نفر در دهه‌ی نخست و ۱۸۰ هزار نفر در دهه‌ی دوم سهم خود را در سال ۱۳۷۵ به ۳/۶ درصد رساند. رشد انفجاری این طبقه در دهه‌ی سوم رخ داد. طی فقط یک دهه تعداد افراد شاغلی که جزو طبقه‌ی سرمایه‌دار محسوب می‌شدند سه برابر شد و از ۱/۵ میلیون نفر گذشت، سهم آن نیز در همین ده سال دوبرابر شد و به ۷/۵ درصد رسید. تعداد افراد این طبقه در طی ۳۰ سال ۸/۵ نیم برابر شده است.

وضعیت طبقاتی در مقطع آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ را پس از تغییراتی که گفته شد می‌توان چنین خلاصه کرد. طبقه‌ی کارگر با ۸ میلیون نفر ۴۰ درصد سهم از جمعیت شاغل کشور را دارد و با ارتش ذخیره‌ی ۳ میلیون نفره‌ی جمعیت بیکار، هنوز مهم‌ترین نیروی طبقاتی هست. در ردیف دوم خرده‌بورژوازی است با بیش از ۷ میلیون نفر و ۳۶ درصد سهم از جمعیت شاغل. در سومین ردیف نیروی جوان و بسیار رشد یافته‌ی اقلیت میانی با ۳ میلیون نفر و ۱۴ درصد سهم از جمعیت شاغل قرار دارد که ارتش ذخیره‌ی ۱/۲ میلیون نفره‌ی دانشجویان، افزایش کمی و کیفی نقش وی در جامعه را نوید می‌دهد. و طبقه‌ی سرمایه‌دار با ۱/۵ میلیون نفر و ۷/۵ درصد در آخرین ردیف ایستاده است. ولی فراموش نباید کرد که این نیرو مقام نخست از رشد ۳۰ سال گذشته را داشت، به ویژه این که هیچ نیرویی مانند این طبقه در دهه‌ی آخر رشد نکرده است، و این که ۲۷۰ هزار نفر مقامات عالی رتبه و مدیران حکومت جمهوری اسلامی، نیروی ذخیره‌ی حریص این طبقه است.

حیف است این بحث بدون یک مقایسه‌ی کوچک و بسیار جالب به پایان برسد. سال ۱۳۵۵ در برابر یک نفر سرمایه‌دار ۲۹ نفر از طبقه‌ی کارگر وجود داشت، ۱۶ نفر از طبقه‌ی کارگر متعلق به بخش خصوصی و ۵/۵ نفر بیکار. برعکس در سال ۱۳۸۵، در برابر یک نفر سرمایه‌دار فقط ۵ نفر از طبقه‌ی کارگر، ۳ نفر از طبقه‌ی کارگر متعلق به بخش خصوصی و ۲ نفر بیکار قرار داشت. شاید بتوان گفت ساختار اقتصادی ایران به افزایش سهم خرده‌بورژوازی منجر نشده، بلکه ساخت سرمایه‌داری دارای هرم تیز، به ساخت سرمایه‌داری متمایل به مسطح، به خرده سرمایه‌داری، گرایش یافته است.

جدول ۲۶ - ساختار طبقاتی کشور در مقطع ۴ سرشماری

(ارقام: هزار نفر)

۱۳۸۵			۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			طبقات اجتماعی
		۱,۵۳۰			۵۲۸			۳۴۰			۱۸۲	سرمایه‌دار
		۲,۹۵۳			۱,۷۳۷			۹۷۷			۵۳۷	اقتشار میانی
	۷۶۲			۲۱۹			۶۴			۱۰۱		بخش خصوصی
	۲,۱۹۱			۱,۵۱۹			۹۱۳			۴۳۶		کارکنان دولتی
۱,۷۵۲			۱,۲۷۴			۷۱۰			۳۷۶			بخش اقتصادی و اجتماعی
۴۳۹			۲۴۵			۲۰۳			۶۰			کارگزاران سیاسی
		۷,۳۶۶			۵,۱۹۹			۴,۳۹۲			۲,۸۱۰	خرده‌بورژوازی
		۸,۲۳۹			۶,۶۴۵			۴,۸۳۱			۵,۲۲۹	طبقه‌ی کارگر
	۵,۴۰۶			۳,۹۰۶			۲,۲۹۲			۳,۹۹۱		بخش خصوصی
۴,۷۲۳			۳,۱۰۹			۱,۸۰۹			۲,۹۷۰			مزد و حقوق بگیران
۶۸۳			۷۹۷			۴۸۳			۱,۰۲۱			کارکنان فامیلی بدون مزد
	۲,۸۳۴			۲,۷۳۹			۲,۵۳۹			۱,۲۳۸		کارکنان دولتی
۱,۴۹۳			۱,۴۲۴			۸۹۲			۵۶۶			بخش اقتصادی و اجتماعی
۱,۳۴۱			۱,۳۱۵			۱,۶۴۷			۶۷۲			کارگزاران سیاسی
		۳۸۷			۴۶۳			۴۵۸			۴۱	نامشخص
		۲۰,۴۷۶			۱۴,۵۷۲			۱۰,۹۹۸			۸,۷۹۹	کل نیروی شاغل

		۲,۹۹۲			۱,۴۵۶			۱,۸۱۹			۹۹۷	جمعیت بیکار
--	--	-------	--	--	-------	--	--	-------	--	--	-----	-------------

		۶۹۰			۸۸۱			۱,۱۹۷			۳۸۶	نیروهای نظامی و شبه‌نظامی
--	--	-----	--	--	-----	--	--	-------	--	--	-----	---------------------------

ماخذ آمارهای به کار رفته در این جدول:

سرمایه دار: شاغلانی که در جداول نتایج سرشماری‌ها زیر عنوان "کارفرما" طبقه‌بندی شده‌اند.

خرده‌بورژوازی: شاغلانی که در جداول نتایج سرشماری‌ها زیر عنوان "کارکنان مستقل" طبقه‌بندی شده‌اند.

اقتشار میانی: مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی و مزدو حقوق بگیران بخش عمومی که در جداول نتایج سرشماری‌ها زیر عنوان "مقامات عالی رتبه و مدیران" و "متخصصان و تکنسین‌ها" طبقه‌بندی شده‌اند.

طبقه‌ی کارگر: مزدو حقوق بگیران بخش خصوصی و بخش عمومی که در جداول نتایج سرشماری‌ها زیر عنوان "کارمندان اموراداری و دفتری"، "کارکنان خدماتی و فروشندگان"، "کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری"، "صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط، متصدیان، مونتاژکاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه" و "کارگران ساده، طبقه‌بندی شده‌اند. فزون بر آن‌ها، شاغلانی که زیر عنوان "کارکنان فامیلی بدون مزد" طبقه بندی شده‌اند و در حقیقت مطابق تعریف مزدو حقوق بگیران غیرنقدی بوده‌اند، نیز جزو این طبقه محسوب شده‌اند.

در باره‌ی ۲ ردیف پایین خارج از جدول:

جمعیت بیکار: جمعیت بیکار گرچه مانند شاغلین جزو هیچ‌یک از طبقات اجتماعی به حساب نمی‌آیند، ولی نمی‌توان در بررسی وضع طبقاتی آن را کنار نهاد. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، جمعیت بیکار، که در کشورهای سرمایه‌داری، از جمله کشور ما، معمولاً بخش بزرگی از جمعیت را در بر می‌گیرد، در حقیقت نیروی کار ذخیره‌ی شاغلان مزد و حقوق بگیر بوده و از جمله در مناسبات بازار کار، به عنوان عامل فشار علیه طبقه‌ی کارگر و حتا اقتشار میانی، محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۵ جمعیت بیکار کشور ۳ میلیون نفر و بیش از یک‌چهارم شاغلان مزد و حقوق بگیر بود.

نیروهای نظامی و شبه‌نظامی: نیروهای نظامی و شبه‌نظامی، خود یک مقوله‌ی طبقاتی جدا نیستند. بنا براین "مقامات عالی رتبه و مدیران" و "متخصصان و تکنسین‌ها"ی نیروهای نظامی و شبه نظامی، زیر عنوان "کارگزاران سیاسی" جزو اقتشار میانی قرار داده شده‌اند و دیگران، از جمله سربازان، جزو طبقه‌ی کارگر.

جدول ۲۷ - ساختار طبقاتی کشور در مقطع ۴ سرشماری

(ارقام: درصد)

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		طبقات اجتماعی
	۷/۵		۳/۶		۳/۱		۲/۱	سرمایه‌دار
	۱۴/۴		۱۱/۹		۸/۹		۶/۱	اقتشار میانی
	۳/۷		۱/۵		۰/۶		۱/۱	بخش خصوصی
	۱۰/۷		۱۰/۴		۸/۳		۵/۰	کارکنان دولتی
۸/۶		۸/۷		۶/۵		۴/۳		بخش اقتصادی و اجتماعی
۲/۱		۱/۷		۱/۸		۰/۷		کارگزاران سیاسی
	۳۶/۰		۳۵/۷		۳۹/۹		۳۱/۹	خرده‌بورژوازی
	۴۰/۲		۴۵/۶		۴۳/۹		۵۹/۴	طبقه‌ی کارگر
	۲۶/۴		۲۶/۸		۲۰/۸		۴۵/۴	بخش خصوصی
۲۳/۱		۲۱/۳		۱۶/۴		۳۳/۸		مزد و حقوق بگیران
۳/۳		۵/۵		۴/۴		۱۱/۶		کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱۳/۸		۱۸/۸		۲۳/۱		۱۴/۱	کارکنان دولتی
۷/۳		۹/۸		۸/۱		۶/۴		بخش اقتصادی و اجتماعی
۶/۵		۹/۰		۱۵/۰		۷/۶		کارگزاران سیاسی
	۱/۹		۳/۲		۴/۲		۰/۵	نامشخص
	۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰	کل نیروی شاغل

	۱۲/۷		۹/۱		۱۴/۲		۱۰/۲	درصد بیکاری
--	------	--	-----	--	------	--	------	-------------

	۳/۴		۶/۰		۱۰/۹		۴/۴	نیروهای نظامی و شبه‌نظامی
--	-----	--	-----	--	------	--	-----	---------------------------

جدول ۲۸ - جدول خلاصه‌ی ساختار طبقاتی کشور در مقطع ۴ سرشماری

(ارقام: هزار نفر - درصد)

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		طبقات اجتماعی
درصد	۱۰۰۰ نفر	درصد	۱۰۰۰ نفر	درصد	۱۰۰۰ نفر	درصد	۱۰۰۰ نفر	
۷/۵	۱,۵۳۰	۳/۶	۵۲۸	۳/۱	۳۴۰	۲/۱	۱۸۲	سرمایه‌دار
۱۴/۴	۲,۹۵۳	۱۱/۹	۱,۷۳۷	۸/۹	۹۷۷	۶/۱	۵۳۷	اقتشار میانی
۳۶/۰	۷,۳۶۶	۳۵/۷	۵,۱۹۹	۳۹/۹	۴,۳۹۲	۳۱/۹	۲,۸۱۰	خرده‌بورژوازی
۴۰/۲	۸,۲۳۹	۴۵/۶	۶,۶۴۵	۴۳/۹	۴,۸۳۱	۵۹/۴	۵,۲۲۹	طبقه‌ی کارگر
۱/۹	۳۸۷	۳/۲	۴۶۳	۴/۲	۴۵۸	۰/۵	۴۱	نامشخص
۱۰۰/۰	۲۰,۴۷۶	۱۰۰/۰	۱۴,۵۷۲	۱۰۰/۰	۱۰,۹۹۸	۱۰۰/۰	۸,۷۹۹	کل نیروی شاغل

۱۲/۷	۲,۹۹۲	۹/۱	۱,۴۵۶	۱۴/۲	۱,۸۱۹	۱۰/۲	۹۹۷	جمعیت بیکار (درصد بیکاری)
------	-------	-----	-------	------	-------	------	-----	---------------------------

ساختار طبقاتی کشور و رابطه‌ی آن با بخش‌های عمده فعالیت

رابطه‌ی ساختار طبقاتی با ساختار اقتصادی یکی از مباحث اصلی در شناخت جامعه است. در این بخش از بحث برای این‌که به جای مقایسه، توجه روی وضعیت موجود متمرکز شود، عمدتاً آمار سرشماری آخر مورد بررسی قرار می‌گیرد و گاهی به آمار سال ۱۳۷۵ نیز مراجعه می‌شود. ولی در جدول‌های واسطه‌ای که تهیه شده‌اند، امکان مقایسه‌ی آمارهای سرشماری آستانه‌ی انقلاب با وضعیت موجود تأمین شده است.

در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۱ درصد از ۱/۵ میلیون نفر شاغلان سرمایه‌دار، در بخش خدمات، ۳۸ درصد در بخش صنعت و ۱۵ درصد در بخش کشاورزی شاغل بودند. در بین سرمایه‌داران بخش خدمات نیز، بیشترین سهم را سرمایه‌داران تجاری با ۳۶۲ هزار نفر و ۲۴ درصد سهم از کل طبقه‌ی سرمایه‌دار داشتند. به این ترتیب می‌توان دید که بیشترین نیروی سرمایه‌داران روی بخش خدمات و کمی کمتر از آن روی بخش صنعت متمرکز شده و کمترین نیرو در بخش کشاورزی.

طبقه‌ی کارگر نیز وضع تقریباً مشابهی دارد. از ۸/۲ میلیون نفر شاغلان این طبقه، ۴۳ درصد در بخش خدمات، ۴۲ درصد در بخش صنعت و فقط ۱۲ درصد در بخش کشاورزی شاغل بودند.

برای خرده‌بورژوازی نیز بخش خدمات در مرتبه‌ی نخست قرار داشت و حدود ۴۲ درصد خرده‌بورژوازی در این بخش شاغل بود، ولی مقام دوم را برای این طبقه بخش کشاورزی با ۳۲ درصد داشت و بخش صنعت با ۲۴ درصد در ردیف آخر بود.

در سال ۱۳۸۵ بخش خدمات برای اقلشار میانی نه تنها در ردیف نخست قرار داشت، بلکه بخشی بود که چهارپنجم نیرویش در آن مشغول به کار بودند. ۱۸ درصد از اقلشار میانی در بخش صنعت شاغل بودند و تعداد شاغلانش در بخش کشاورزی به یک درصد نیز نمی‌رسید.

جدول ۲۹ - ساختار طبقاتی کشور و رابطه‌ی آن با بخش‌های عمده فعالیت

(ارقام: هزار نفر - درصد)

۱۳۸۵		۱۳۷۵		طبقات اجتماعی	
درصد	۱۰۰۰ نفر	درصد	۱۰۰۰ نفر		
۷/۵	۱,۵۳۰	۳/۶	۵۲۸	سرمایه‌دار	
۱۴/۶	۲۲۴	۲۳/۵	۱۲۴	کشاورزی	
۳۷/۷	۵۷۷	۳۹/۸	۲۱۰	صنعت	
۴۱/۳	۶۳۲	۳۴/۷	۱۸۳	خدمات	
۶/۴	۹۸	۲/۰	۱۱	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	
۳۶/۰	۷,۳۶۶	۳۵/۷	۵,۱۹۹	خرده‌بورژوازی	
۳۲/۴	۲,۳۸۴	۴۲/۰	۲,۱۸۲	کشاورزی	
۲۴/۱	۱,۷۷۲	۲۱/۶	۱,۱۲۳	صنعت	
۴۲/۲	۳,۱۱۱	۳۵/۳	۱,۸۳۷	خدمات	
۱/۳	۹۹	۱/۱	۵۸	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	
۱۴/۴	۲,۹۵۳	۱۱/۹	۱,۷۳۷	اقتشار میانی	
۰/۸	۲۴	۰/۸	۱۴	کشاورزی	
۱۸/۲	۵۳۹	۱۳/۹	۲۴۲	صنعت	
۷۸/۹	۲,۳۳۱	۸۳/۷	۱,۴۵۴	خدمات	
۲/۰	۶۰	۱/۵	۲۶	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	
۴۰/۲	۸,۲۳۹	۴۵/۶	۶,۶۴۵	طبقه‌ی کارگر	
۱۱/۸	۹۶۹	۱۴/۳	۹۴۹	کشاورزی	
۴۲/۳	۳,۴۸۲	۴۱/۴	۲,۷۵۲	صنعت	
۴۳/۴	۳,۵۷۶	۴۲/۱	۲,۷۹۶	خدمات	
۲/۶	۲۱۱	۲/۲	۱۴۸	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	
۱/۹	۳۸۷	۳/۲	۴۶۳	نامشخص و اظهار نشده	
۲۲/۳	۸۶	۱۸/۹	۸۸	کشاورزی	
۳۱/۹	۱۲۴	۳۱/۸	۱۴۷	صنعت	
۴۰/۹	۱۵۸	۴۶/۴	۲۱۵	خدمات	
۴/۹	۱۹	۲/۹	۱۳	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	
۱۰۰/۰	۲۰,۴۷۶	۱۰۰/۰	۱۴,۵۷۲	کل نیروی شاغل	

بخش‌های عمده فعالیت و رابطه‌ی آن با ساختار طبقاتی کشور

نگاه از سوی دیگر، یعنی از زاویه‌ی رابطه‌ی ساختار اقتصادی با ساختار طبقاتی، نیز شناخت سودمندی در اختیار مطالعه کننده قرار می‌دهد.

در سال ۱۳۸۵ بخش خدمات حدود ۴۸ درصد کل شاغلان کشور، یعنی تقریباً به اندازه‌ی مجموع بخش‌های صنعت و کشاورزی، را به خدمت گرفته بود. ۳۶ درصد شاعلان این بخش از طبقه‌ی کارگر، ۳۲ درصد از طبقه‌ی خرده‌بورژوازی، ۲۴ درصد از اقتشار میانی و ۶ درصد از طبقه‌ی سرمایه‌دار بودند.

مقام دوم را به لحاظ اشتغال نیروی انسانی، در سال ۱۳۸۵، بخش صنعت، و برجسته‌ترین سهم را در بین شاغلان این بخش، با ۵۴ درصد، طبقه‌ی کارگر داشت. طبقه‌ی خرده‌بورژوازی در این بخش نیز دومین نیرو بود ولی حدود نصف تعداد طبقه‌ی کارگر. این به آن معناست که سازمان کار در این بخش بیش از دیگر بخش‌ها بر واحدهای بزرگ تکیه دارد. درصد شاغلان طبقه‌ی سرمایه‌دار در این بخش نسبت به کل شاغلان این بخش معادل ۸/۹ درصد بود. حدود نیم میلیون نفر از شاغلان متعلق به اقتشار میانی در این بخش فعال بودند و حدود ۸ درصد شاغلان این بخش را تشکیل می‌دادند.

در سال ۱۳۸۵ مقام آخر به لحاظ اشتغال نیروی انسانی، از آن بخش کشاورزی بود. در این بخش به لحاظ نیروی کار خرده بورژوازی حرف اول را می‌زد. تقریباً دوسوم از کل ۳/۷ میلیون نفر شاغل در بخش کشاورزی، یعنی حدود ۲/۴ میلیون نفر، از طبقه‌ی خرده بورژوازی بود. پس از خرده بورژوازی، و با فاصله‌ی خیلی زیاد از آن، طبقه‌ی کارگر با نزدیک به یک میلیون نفر، و ۲۶ درصد از شاغلان این بخش، قرار داشت. ۶ درصد از شاغلان این بخش سرمایه‌دار بودند و سهم اقشار میانی در آن به یک درصد هم نمی‌رسید. همین ترکیب طبقاتی شاغلین بخش کشاورزی، می‌تواند گواه این نظر باشد که سازمان تولید این بخش هنوز عمدتاً بر تولید خرد تکیه دارد. البته نباید فراموش کرد که طی دهه‌ی سوم، تعداد سرمایه‌داران این بخش تقریباً دو برابر گشته است.

جدول ۳۰ - بخش‌های عمده فعالیت و رابطه‌ی آن با ساختار طبقاتی کشور

(ارقام: هزار نفر - درصد)

۱۳۸۵			۱۳۷۵			بخش‌های اقتصادی - طبقات اجتماعی
درصد		۱۰۰۰ نفر	درصد		۱۰۰۰ نفر	
	۱۸/۰	۳,۶۸۷		۲۳/۰	۳,۳۵۷	کشاورزی
۶/۱		۲۲۴	۳/۷		۱۲۴	سرمایه‌دار
۶۴/۷		۲,۳۸۴	۶۵/۰		۲,۱۸۲	خرده‌بورژوازی
۰/۶		۲۴	۰/۴		۱۴	اقشار میانی
۲۶/۳		۹۶۹	۲۸/۳		۹۴۹	طبقه‌ی کارگر
۲/۳		۸۶	۲/۶		۸۸	اظهار نشده
	۳۱/۷	۶,۴۹۳		۳۰/۷	۴,۴۷۳	صنعت
۸/۹		۵۷۷	۴/۷		۲۱۰	سرمایه‌دار
۲۷/۳		۱,۷۷۲	۲۵/۱		۱,۱۲۳	خرده‌بورژوازی
۸/۳		۵۳۹	۵/۴		۲۴۲	اقشار میانی
۵۳/۶		۳,۴۸۲	۶۱/۵		۲,۷۵۲	طبقه‌ی کارگر
۱/۹		۱۲۴	۳/۳		۱۴۷	اظهار نشده
	۴۷/۹	۹,۸۰۹		۴۴/۵	۶,۴۸۴	خدمات
۶/۴		۶۳۲	۲/۸		۱۸۳	سرمایه‌دار
۳۱/۷		۳,۱۱۱	۲۸/۳		۱,۸۳۷	خرده‌بورژوازی
۲۳/۸		۲,۳۳۱	۲۲/۴		۱,۴۵۴	اقشار میانی
۳۶/۵		۳,۵۷۶	۴۳/۱		۲,۷۹۶	طبقه‌ی کارگر
۱/۶		۱۵۸	۳/۳		۲۱۵	اظهار نشده
	۲/۴	۴۸۸		۱/۸	۲۵۷	نامشخص و اظهار نشده
۲۰/۲		۹۸	۴/۲		۱۱	سرمایه‌دار
۲۰/۴		۹۹	۲۲/۶		۵۸	خرده‌بورژوازی
۱۲/۲		۶۰	۱۰/۲		۲۶	اقشار میانی
۴۳/۴		۲۱۱	۵۷/۷		۱۴۸	طبقه‌ی کارگر
۳/۹		۱۹	۵/۲		۱۳	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده
	۱۰۰/۰	۲۰,۴۷۶		۱۰۰/۰	۱۴,۵۷۲	کل نیروی شاغل

جدول ۳۱ - جدول خلاصه‌ی ساختار طبقاتی کشور و رابطه‌ی آن با بخش‌های عمده فعالیت (۱۳۸۵)

(ارقام: هزار نفر)

بخش‌های عمده‌ی اقتصادی					طبقات اجتماعی
کل نیروی شاغل	کشاورزی	صنعت	خدمات	اظهار نشده	
۲۰.۴۷۶	۳.۶۸۷	۶.۴۹۳	۹.۸۰۹	۴۸۸	کل نیروی شاغل
۱.۵۳۰	۲۲۴	۵۷۷	۶۳۲	۹۸	سرمایه‌دار
۷.۳۶۶	۲.۳۸۴	۱.۷۷۲	۳.۱۱۱	۹۹	خرده‌بورژوازی
۲.۹۵۳	۲۴	۵۳۹	۲.۳۳۱	۶۰	اقتشار میانی
۸.۲۳۹	۹۶۹	۳.۴۸۲	۳.۵۷۶	۲۱۱	طبقه‌ی کارگر
۳۸۷	۸۶	۱۲۴	۱۵۸	۱۹	اظهار نشده

جدول ۳۲ - جدول خلاصه‌ی ساختار طبقاتی کشور و رابطه‌ی آن با بخش‌های عمده فعالیت (۱۳۸۵)

(ارقام: درصد)

بخش‌های عمده‌ی اقتصادی					طبقات اجتماعی
کل نیروی شاغل	کشاورزی	صنعت	خدمات	اظهار نشده	
۱۰۰/۰	۱۸/۰	۳۱/۷	۴۷/۹	۲/۴	کل نیروی شاغل
۷/۵	۱/۱	۲/۸	۳/۱	۰/۵	سرمایه‌دار
۳۶/۰	۱۱/۶	۸/۷	۱۵/۲	۰/۵	خرده‌بورژوازی
۱۴/۴	۰/۱	۲/۶	۱۱/۴	۰/۳	اقتشار میانی
۴۰/۲	۴/۷	۱۷/۰	۱۷/۵	۱/۰	طبقه‌ی کارگر
۱/۹	۹/۰	۰/۶	۰/۸	۰/۱	اظهار نشده

جدول های پیوست:

جدول های پ ۱ تا ۴ برای آشنایی با جدول های ارائه شده از سوی مرکز آمار همراه این نوشته گشته اند.

جدول های پ ۵ و ۶ جدول های واسطه برای جدول های ۲۶ تا ۲۸

جدول های پ ۷ و ۸ جدول های واسطه برای جدول ۲۹

جدول های پ ۹ و ۱۰ جدول های واسطه برای جدول ۳۰

جدول پ ۱ – توزیع جمعیت شاغل کشور در آبان ۱۳۸۵ برحسب گروه های عمده شغلی و وضع شغلی (ارقام: هزار نفر)

وضع شغلی							گروه های عمده شغلی	
مزدو حقوق بگیران بخش عمومی	کارکنان فامیلی بدون مزد	بخش خصوصی				جمع		
		کارکنان مستقل	کارکنان بگیران	کارفرمایان	جمع			
۳۸۷	۵,۰۲۵	۶۸۳	۵,۴۸۵	۷,۳۶۶	۱,۵۳۰	۱۵,۰۶۴	۲۰,۴۷۶	جمع کل
۹	۲۶۵	۱	۱۲۹	۵۵	۱۴۸	۳۳۴	۶۰۸	قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران
۳۶	۱,۴۲۶	۲	۳۰۶	۹۵	۵۹	۴۶۱	۱,۹۲۳	متخصصان
۲۰	۵۰۱	۴	۳۲۷	۱۸۰	۵۷	۵۶۹	۱,۰۹۰	تکنسین ها و دستیاران
۱۵	۵۸۴	۱	۲۶۸	۲۶	۱۸	۳۱۳	۹۱۳	کارمندان امور اداری و دفتری
۴۴	۳۳۳	۴۶	۵۱۹	۱,۳۶۰	۳۰۱	۲,۲۲۵	۲,۶۰۲	کارکنان خدماتی و فروشندگان
۷۶	۵۲	۴۰۱	۲۲۹	۲,۲۷۰	۲۰۹	۳,۱۰۹	۳,۲۳۶	کارکنان ماهر کشاورزی ،جنگلداری و ماهیگیری
۷۷	۳۰۷	۱۳۹	۱,۵۱۶	۱,۵۶۲	۴۴۱	۳,۶۵۸	۴,۰۴۲	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۴۳	۳۵۵	۱۱	۷۴۶	۱,۱۲۱	۱۲۶	۲,۰۰۴	۲,۴۰۲	متصدیان، مونتاژکاران ماشین آلات و دستگاه ها و رانندگان وسایل نقلیه
۵۱	۳۸۹	۵۷	۱,۳۶۳	۶۲۰	۸۰	۲,۱۲۱	۲,۵۶۱	کارگران ساده
۱۶	۸۱۴	۲۰	۸۱	۷۸	۹۰	۲۶۹	۱,۰۹۹	سایر و اظهار نشده

جدول پ ۲ – توزیع جمعیت شاغل کشور در آبان ۱۳۸۵ برحسب گروه های عمده شغلی و وضع شغلی (ارقام: درصد)

وضع شغلی								گروه های عمده شغلی
مزدو حقوق بگیران بخش عمومی	کارکنان فامیلی بدون مزد	بخش خصوصی				جمع		
		مزدو حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان	جمع			
۱/۹	۲۴/۵	۳/۳	۲۶/۸	۳۶/۰	۷/۵	۷۳/۶	۱۰۰/۰	جمع کل
۰/۰	۱/۳	۰/۰	۰/۶	۰/۳	۰/۷	۱/۶	۳/۰	قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران
۰/۲	۷/۰	۰/۰	۱/۵	۰/۵	۰/۳	۲/۳	۹/۴	متخصصان
۰/۱	۲/۴	۰/۰	۱/۶	۰/۹	۰/۳	۲/۸	۵/۳	تکنسین ها و دستیاران
۰/۱	۲/۹	۰/۰	۱/۳	۰/۱	۰/۱	۱/۵	۴/۵	کارمندان امور اداری و دفتری
۰/۲	۱/۶	۰/۲	۲/۵	۶/۶	۱/۵	۱۰/۹	۱۲/۷	کارکنان خدماتی و فروشندگان
۰/۴	۰/۳	۲/۰	۱/۱	۱۱/۱	۱/۰	۱۵/۲	۱۵/۸	کارکنان ماهر کشاورزی ، جنگلداری و ماهیگیری
۰/۴	۱/۵	۰/۷	۷/۴	۷/۶	۲/۲	۱۷/۹	۱۹/۷	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۰/۲	۱/۷	۰/۱	۳/۶	۵/۵	۰/۶	۹/۸	۱۱/۷	متصدیان، مونتاژکاران ماشین آلات و دستگاه ها و رانندگان وسایل نقلیه
۰/۲	۱/۹	۰/۳	۶/۷	۳/۰	۰/۴	۱۰/۴	۱۲/۵	کارگران ساده
۰/۱	۴/۰	۰/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۱/۳	۵/۴	سایر و اظهار نشده

جدول پ ۳ - توزیع جمعیت شاغل کشور در آبان ۱۳۸۵ برحسب گروه های عمده فعالیت و وضع شغلی (ارقام: هزار نفر)

وضع شغلی								گروه های عمده فعالیت
اظهار نشده	مزدو حقوق بگیران بخش عمومی	بخش خصوصی					جمع	
		کارکنان فامیلی بدون مزد	مزدو حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان	جمع		
۳۸۷	۵,۰۲۵	۶۸۳	۵,۴۸۵	۷,۳۶۶	۱,۵۳۰	۱۵,۰۶۴	۲۰,۴۷۶	جمع کل
۸۵	۵۷	۴۴۵	۴۵۴	۲,۳۵۳	۲۱۸	۳,۴۷۰	۳,۶۱۲	کشاورزی، شکار و جنگلداری
۲	۸	۰	۲۹	۳۰	۶	۶۵	۷۵	شیلات
۳	۸۴	۰	۵۶	۵	۵	۶۶	۱۵۲	استخراج معدن
۶۷	۴۹۴	۱۳۱	۱,۶۰۷	۸۷۶	۳۰۹	۲,۹۲۴	۳,۴۸۵	صنعت - ساخت
۴	۱۵۶	۰	۵۲	۶	۶	۶۴	۲۲۵	تامین برق، گاز و آب
۴۹	۱۳۱	۱۳	۱,۲۹۶	۸۸۶	۲۵۶	۲,۴۵۱	۲,۶۳۱	ساختمان
۵۲	۹۲	۵۲	۶۶۰	۱,۶۰۹	۳۶۲	۲,۶۸۳	۲,۸۲۷	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر و وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی و خانگ
۴	۱۶	۳	۸۸	۵۵	۲۷	۱۷۳	۱۹۲	هتل و رستوران
۳۸	۲۶۹	۸	۴۶۳	۱,۰۵۳	۱۱۰	۱,۶۳۵	۱,۹۴۲	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات
۵	۲۱۳	۰	۴۰	۶	۷	۵۳	۲۷۱	واسطه گری های مالی
۱۰	۶۲	۳	۱۸۴	۱۳۷	۴۷	۳۷۱	۴۴۳	مستغلات، اجاره و فعالیت های کار و کسب
۰	۱,۷۸۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱,۷۸۰	داره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری
۳۰	۱,۱۱۱	۱	۱۵۹	۳۱	۲۳	۲۱۴	۱,۳۵۵	آموزش
۱۱	۳۵۳	۰	۱۱۰	۲۹	۱۸	۱۵۷	۵۲۱	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۹	۹۱	۳	۱۲۲	۱۷۳	۳۴	۳۳۳	۴۳۳	سایر فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
۱	۲	۰	۱۵	۱۸	۲	۳۵	۳۸	فعالیت های خانوار های دارای مستخدم و فعالیتهای تولیدی غیر قابل تفکیک
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۲	سازمانها و هیئت های برون مرزی
۰	۱	۰	۲	۰	۰	۳	۴	دفاتر مرکزی
۱۹	۱۰۴	۲۱	۱۴۶	۹۹	۹۸	۳۶۵	۴۸۸	ظهار نشده

جدول پ ۴ - توزیع جمعیت شاغل کشور در آبان ۱۳۸۵ برحسب گروه های عمده فعالیت و گروه های عمده شغلی
ارقام: هزار نفر

گروه های عمده شغلی											گروه های عمده فعالیت
سایر و اظهار نشده	کارگران ساده	متصدیان، مونتازکاران ماشین آلات ودستگاه هاوراندگان وسایل نقلیه	صنعتگران وکارکنان مشاغل مربوط	کارکنان ماهر کشاورزی ،جنگلداری وماهیگیری	کارکنان خدماتی وفروشنندگان	کارمندان اموراداری ودفتری	تکنسین ها و دستیاران	متخصصان	قانونگذاران ،مقامات عالی رتبه ومدیران	جمع	
۱,۰۹۹	۲,۵۶۱	۲,۴۰۲	۴,۰۴۲	۳,۲۳۶	۲,۶۰۲	۹۱۳	۱,۰۹۰	۱,۹۲۳	۶۰۸	۲۰,۴۷۶	جمع کل
۶	۳۸۴	۵۶	۸	۳,۱۱۸	۸	۶	۹	۸	۸	۳,۶۱۲	کشاورزی، شکاروجنگلداری
۰	۲	۱۱	۱	۵۶	۱	۱	۲	۱	۱	۷۵	شیلات
۳	۲۷	۲۸	۳۲	۱	۱۰	۱۷	۱۵	۱۴	۶	۱۵۲	استخراج معدن
۵۱	۱۷۹	۴۶۵	۲,۱۹۵	۱۵	۱۱۲	۱۱۸	۱۵۷	۹۷	۹۶	۳,۴۸۵	صنعت - ساخت
۴	۲۳	۳۵	۴۱	۱	۱۰	۳۰	۴۲	۲۳	۱۵	۲۲۵	تامین برق، گازوآب
۹	۱,۲۹۰	۷۵	۱,۰۲۷	۲	۱۳	۱۹	۴۳	۵۵	۹۸	۲,۶۳۱	ساختمان
۱۳	۱۸۶	۳۸	۵۸۶	۷	۱,۷۷۲	۳۹	۱۱۶	۲۷	۴۳	۲,۸۲۷	عمدهفروشی، خردهفروشی، تعمیروسایل نقلیه موتوری وکالاها شخصی وخانگی
۱	۱۴	۲	۳	۰	۱۳۹	۱۱	۵	۱	۱۷	۱۹۲	هتل و رستوران
۱۴	۸۰	۱,۵۰۲	۴۱	۱	۶۰	۱۲۵	۵۵	۳۰	۳۴	۱,۹۴۲	حمل ونقل وانبارداری وارتباطات
۲	۹	۳	۲	۰	۹	۱۱۲	۵۵	۵۱	۲۸	۲۷۱	واسطه گری های مالی
۵	۴۸	۸	۱۷	۳	۲۲	۴۹	۱۸۴	۸۷	۲۲	۴۴۳	مستغلات، اجاره وفعالیت های کاروکسب
۶۹۰	۱۲۸	۷۸	۲۷	۱۵	۱۹۵	۲۰۷	۱۲۸	۲۴۱	۷۰	۱,۷۸۰	اداره امورعمومی، دفاع وتامین اجتماعی اجباری
۱۳	۵۶	۲۱	۱۱	۲	۲۱	۶۳	۳۴	۱,۰۱۶	۱۱۸	۱,۳۵۵	آموزش
۷	۳۶	۱۵	۷	۱	۲۶	۷۵	۱۶۲	۱۷۸	۱۳	۵۲۱	بهداشت ومددکاری اجتماعی
۵	۵۶	۲۶	۱۲	۳	۱۷۵	۱۷	۵۶	۶۶	۱۹	۴۳۳	سایر فعالیت های خدمات عمومی، اجتماعی وشخصی
۰	۱۱	۱۷	۰	۲	۶	۰	۱	۰	۰	۳۸	فعالیت های خانوارهای دارای مستخدم وفعالیت های تولیدی غیرقابل تفکیک
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲	سازمانهاوهیئت های بیرون مرزی
۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۴	دفاتر مرکزی
۲۷۴	۲۹	۲۲	۳۴	۱۰	۲۳	۲۳	۲۷	۲۷	۱۹	۴۸۸	اظهارنشده

جدول پ ۵ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده شغلی و وضع شغلی
(ارقام: هزار نفر)

گروههای عمده شغلی-وضع شغلی		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
کارفرمایان		۱۸۳		۳۴۰		۵۲۸		۱,۵۳۰	
مقامات عالی رتبه و مدیران		۱۲		۸		۵۰		۱۴۸	
متخصصان و تکنسین ها		۱۱		۱۴		۲۴		۱۱۶	
کم تخصص و بی تخصص		۱۶۰		۳۱۸		۴۵۳		۱,۲۶۶	
کارکنان مستقل		۲,۸۱۰		۴,۳۹۲		۵,۱۹۹		۷,۳۶۶	
مقامات عالی رتبه و مدیران		۰		۵		۳۸		۵۵	
متخصصان و تکنسین ها		۳۴		۴۳		۱۲۶		۲۷۵	
کم تخصص و بی تخصص		۲,۷۷۶		۴,۳۴۴		۵,۰۳۵		۷,۰۳۶	
مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی		۳,۰۷۱		۱,۸۷۳		۳,۳۲۷		۵,۴۸۵	
مقامات عالی رتبه و مدیران		۱۴		۷		۵۱		۱۲۹	
متخصصان و تکنسین ها		۸۷		۵۷		۱۶۸		۶۳۳	
کم تخصص و بی تخصص		۲,۹۷۰		۱,۸۰۹		۳,۱۰۹		۴,۷۲۳	
کارکنان فامیلی بدون مزد		۱,۰۲۱		۴۸۳		۷۹۷		۶۸۳	
مزد و حقوق بگیران بخش عمومی		۱,۶۷۴		۳,۴۵۲		۴,۲۵۸		۵,۰۲۵	
کارکنان دولتی: بخش اقتصادی و اجتماعی		(۹۴۲)		(۱,۶۰۲)		(۲,۶۹۸)		(۳,۲۴۵)	
مقامات عالی رتبه و مدیران		۵		۱۲		۱۳۸		۱۹۵	
متخصصان و تکنسین ها		۳۷۱		۶۹۸		۱,۱۳۶		۱,۵۵۷	
کم تخصص و بی تخصص		۵۶۶		۸۹۲		۱,۴۲۴		۱,۴۹۳	
کارگزاران سیاسی		(۷۳۲)		(۱,۸۵۰)		(۱,۵۶۰)		(۱,۷۸۰)	
مقامات عالی رتبه و مدیران		۹		۱۱		۳۹		۷۰	
متخصصان و تکنسین ها		۵۱		۱۹۲		۲۰۵		۳۷۰	
کم تخصص و بی تخصص		۶۷۲		۱,۶۴۷		۱,۳۱۵		۱,۳۴۱	
نامشخص		۴۱		۴۵۸		۴۶۳		۳۸۷	
کل نیروی شاغل		۸,۸۰۰		۱۰,۹۹۸		۱۴,۵۷۲		۲۰,۴۷۶	

جدول پ ۶ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده شغلی و وضع شغلی
(ارقام: درصد)

گروههای عمده شغلی-وضع شغلی		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
کارفرمایان		۱۰۰/۰	۲/۱	۱۰۰/۰	۳/۱	۱۰۰/۰	۳/۶	۱۰۰/۰	۷/۵
مقامات عالی رتبه ومديران		۶/۶		۲/۴		۹/۵		۹/۷	
متخصصان و تکنسین ها		۶/۰		۴/۱		۴/۶		۷/۶	
کم تخصص و بی تخصص		۸۷/۴		۹۳/۵		۸۵/۹		۸۲/۷	
کارکنان مستقل		۱۰۰/۰	۳۱/۹	۱۰۰/۰	۳۹/۹	۱۰۰/۰	۳۵/۷	۱۰۰/۰	۳۶/۰
مقامات عالی رتبه ومديران		۰/۰		۰/۱		۰/۷		۰/۸	
متخصصان و تکنسین ها		۱/۲		۱/۰		۲/۴		۳/۷	
کم تخصص و بی تخصص		۹۸/۸		۹۸/۹		۹۶/۸		۹۵/۵	
مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی		۱۰۰/۰	۳۴/۹	۱۰۰/۰	۱۷/۰	۱۰۰/۰	۲۲/۸	۱۰۰/۰	۲۶/۸
مقامات عالی رتبه ومديران		۰/۵		۰/۴		۱/۵		۲/۳	
متخصصان و تکنسین ها		۲/۸		۳/۰		۵/۰		۱۱/۵	
کم تخصص و بی تخصص		۹۶/۷		۹۶/۶		۹۳/۴		۸۶/۱	
کارکنان فامیلی بدون مزد			۱۱/۶		۴/۴		۵/۵		۳/۳
مزدوحقوق بگیران بخش عمومی		۱۰۰/۰	۱۹/۰	۱۰۰/۰	۳۱/۴	۱۰۰/۰	۲۹/۲	۱۰۰/۰	۲۴/۵
کارکنان دولتی: بخش اقتصادی و اجتماعی			۵۶/۳		۴۶/۴		۶۳/۴		۶۴/۶
مقامات عالی رتبه ومديران		۰/۳		۰/۳		۳/۲		۳/۹	
متخصصان و تکنسین ها		۲۲/۲		۲۰/۲		۲۶/۷		۳۱/۰	
کم تخصص و بی تخصص		۳۳/۸		۲۵/۸		۳۳/۵		۲۹/۷	
کارگزاران سیاسی			۴۳/۷		۵۳/۶		۳۶/۶		۳۵/۴
مقامات عالی رتبه ومديران		۰/۵		۰/۳		۰/۹		۱/۴	
متخصصان و تکنسین ها		۳/۰		۵/۶		۴/۸		۷/۴	
کم تخصص و بی تخصص		۴۰/۱		۴۷/۷		۳۰/۹		۲۶/۷	
نامشخص			۰/۵		۴/۲		۳/۲		۱/۹
کل نیروی شاغل		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰	

جدول پ ۷ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده فعالیت و وضع شغلی
(ارقام: هزار نفر)

وضع شغلی - گروههای عمده فعالیت		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
کارفرمایان		۱۸۲		۳۴۰		۵۲۸		۱,۵۳۰	
کشاورزی		۳۶				۱۲۴		۲۲۴	
صنعت		۶۹				۲۱۰		۵۷۷	
خدمات		۷۵				۱۸۳		۶۳۲	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۲				۱۱		۹۸	
کارکنان مستقل		۲,۸۱۰		۴,۳۹۲		۵,۱۹۹		۷,۳۶۶	
کشاورزی		۱,۷۰۶				۲,۱۸۲		۲,۳۸۴	
صنعت		۴۰۸				۱,۱۲۳		۱,۷۷۲	
خدمات		۶۹۲				۱,۸۳۷		۳,۱۱۱	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۴				۵۸		۹۹	
مزد و حقوق بگیران		۴,۷۴۶		۵,۳۲۵		۷,۵۸۵		۱۰,۵۱۰	
بخش خصوصی		(۳,۰۷۲)		(۱,۸۷۳)		(۳,۳۲۷)		(۵,۴۸۵)	
کشاورزی		۶۲۳				۴۱۸		۴۸۲	
صنعت		۱,۸۴۲				۱,۹۳۹		۳,۰۱۲	
خدمات		۵۸۰				۸۹۴		۱,۸۴۵	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۲۷				۷۶		۱۴۶	
بخش دولتی		(۱,۶۷۴)		(۳,۴۵۲)		(۴,۲۵۸)		(۵,۰۲۵)	
کشاورزی		۳۹				۵۷		۶۵	
صنعت		۲۷۵				۸۰۶		۸۶۴	
خدمات		۱,۳۵۳				۳,۳۰۹		۳,۹۹۲	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۷				۸۷		۱۰۴	
کارکنان فامیلی بدون مزد		۱,۰۲۱		۴۸۳		۷۹۷		۶۸۳	
کشاورزی		۵۸۷				۴۸۹		۴۴۶	
صنعت		۴۱۶				۲۴۹		۱۴۵	
خدمات		۱۷				۴۷		۷۱	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۱				۱۲		۲۱	
نامشخص		۴۰		۴۵۸		۴۶۳		۳۸۷	
کشاورزی		۱				۸۸		۸۶	
صنعت		۲				۱۴۷		۱۲۴	
خدمات		۳				۲۱۵		۱۵۸	
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده		۳۴				۱۳		۱۹	
کل نیروی شاغل		۸,۷۹۹		۱۰,۹۹۸		۱۴,۵۷۲		۲۰,۴۷۶	

جدول پ ۸ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده فعالیت و وضع شغلی
(ارقام: درصد)

وضع شغلی - گروههای عمده فعالیت		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
کارفرمایان		۲/۱	۱۰۰/۰	۳/۱		۳/۶	۱۰۰/۰	۷/۵	۱۰۰/۰
کشاورزی			۱۹/۸				۲۳/۵		۱۴/۶
صنعت			۳۷/۹				۳۹/۸		۳۷/۷
خدمات			۴۱/۲				۳۴/۷		۴۱/۳
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۱/۱				۲/۰		۶/۴
کارکنان مستقل		۳۱/۹	۱۰۰/۰	۳۹/۹		۳۵/۷	۱۰۰/۰	۳۶/۰	۱۰۰/۰
کشاورزی			۶۰/۷				۴۲/۰		۳۲/۴
صنعت			۱۴/۵				۲۱/۶		۲۴/۱
خدمات			۲۴/۶				۳۵/۳		۴۲/۲
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۰/۱				۱/۱		۱/۳
مزد و حقوق بگیران		۵۳/۹		۴۸/۴		۵۲/۱		۵۱/۳	
بخش خصوصی		۶۴/۷		۳۵/۲		۴۳/۹		۵۲/۲	
کشاورزی			۱۳/۱				۵/۵		۴/۶
صنعت			۳۸/۸				۲۵/۶		۲۸/۷
خدمات			۱۲/۲				۱۱/۸		۱۷/۶
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۰/۶				۱/۰		۱/۴
بخش دولتی		۳۵/۳		۶۴/۸		۵۶/۱		۴۷/۸	
کشاورزی			۰/۸				۰/۸		۰/۶
صنعت			۵/۸				۱۰/۶		۸/۲
خدمات			۲۸/۵				۴۳/۶		۳۸/۰
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۰/۱				۱/۱		۱/۰
کارکنان فامیلی بدون مزد		۱۱/۶	۱۰۰/۰	۴/۴		۵/۵	۱۰۰/۰	۳/۳	۱۰۰/۰
کشاورزی			۵۷/۵				۶۱/۳		۶۵/۲
صنعت			۴۰/۷				۳۱/۳		۲۱/۲
خدمات			۱/۷				۵/۹		۱۰/۴
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۰/۱				۱/۵		۳/۱
نامشخص		۰/۵	۱۰۰/۰	۴/۲		۳/۲	۱۰۰/۰	۱/۹	۱۰۰/۰
کشاورزی			۲/۵				۱۸/۹		۲۲/۳
صنعت			۵/۰				۳۱/۸		۳۱/۹
خدمات			۷/۵				۴۶/۴		۴۰/۹
فعالیت های نامشخص و اظهار نشده			۸۵/۰				۲/۹		۴/۹
کل نیروی شاغل		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰		۱۰۰/۰	

جدول پ ۹ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده شغلی و وضع شغلی
(ارقام: هزار نفر)

۱۳۸۵			۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			وضع شغلی - گروههای عمده شغلی
		۳,۶۸۷			۳,۳۵۷			۳,۱۹۱			۲,۹۹۲	کشاورزی
	۲۲۴			۱۲۴						۳۶		کارفرمایان
	۲,۳۸۴			۲,۱۸۲						۱,۷۰۶		کارکنان مستقل
	۵۴۷			۴۷۵						۶۶۲		مزد و حقوق بگیران
۴۸۲			۴۱۸						۶۲۳			بخش خصوصی
۶۵			۵۷						۳۹			بخش دولتی
	۴۴۶			۴۸۹						۵۸۷		کارکنان فامیلی بدون مزد
	۸۶			۸۸						۱		نامشخص
		۶,۴۹۳			۴,۴۷۳			۲,۷۸۱			۳,۰۱۲	صنعت
	۵۷۷			۲۱۰						۶۹		کارفرمایان
	۱,۷۷۲			۱,۱۲۳						۴۰۸		کارکنان مستقل
	۳,۸۷۶			۲,۷۴۴						۲,۱۱۷		مزد و حقوق بگیران
۳,۰۱۲			۱,۹۳۹						۱,۸۴۲			بخش خصوصی
۸۶۴			۸۰۶						۲۷۵			بخش دولتی
	۱۴۵			۲۴۹						۴۱۶		کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱۲۴			۱۴۷						۲		نامشخص
		۹,۸۰۹			۶,۴۸۴			۴,۶۷۰			۲,۷۲۰	خدمات
	۶۳۲			۱۸۳						۷۵		کارفرمایان
	۳,۱۱۱			۱,۸۳۷						۶۹۲		کارکنان مستقل
	۵,۸۳۷			۴,۲۰۳						۱,۹۳۳		مزد و حقوق بگیران
۱,۸۴۵			۸۹۴						۵۸۰			بخش خصوصی
۳,۹۹۲			۳,۳۰۹						۱,۳۵۳			بخش دولتی
	۷۱			۴۷						۱۷		کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱۵۸			۲۱۵						۳		نامشخص
		۴۸۸			۲۵۷			۳۶۰			۷۵	نامشخص و اظهار نشده
	۹۸			۱۱						۲		کارفرمایان
	۹۹			۵۸						۴		کارکنان مستقل
	۲۵۰			۱۶۳						۳۴		مزد و حقوق بگیران
۱۴۶			۷۶						۲۷			بخش خصوصی
۱۰۴			۸۷						۷			بخش دولتی
	۲۱			۱۲						۱		کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱۹			۱۳						۳۴		نامشخص

رقمهای مربوط به زیرگروهها در سال ۱۳۶۵ بعدا در جدول وارد خواهند شد.

جدول پ ۱۰ - توزیع جمعیت شاغل کشور در مقطع ۴ سرشماری برحسب گروه های گروه های عمده شغلی و وضع شغلی (ارقام: درصد)

۱۳۸۵			۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			وضع شغلی - گروههای عمده شغلی
	۱۰۰/۰	۱۸/۰		۱۰۰/۰	۲۳/۰			۲۹/۰		۱۰۰/۰	۳۴/۰	کشاورزی
	۶/۱			۳/۷						۱/۲		کارفرمایان
	۶۴/۷			۶۵/۰						۵۷/۰		کارکنان مستقل
	۱۴/۸			۱۴/۲						۲۲/۱		مزد و حقوق بگیران
۱۳/۱			۱۲/۵						۲۰/۸			بخش خصوصی
۱/۸			۱/۷						۱/۳			بخش دولتی
	۱۲/۱		۱۴/۶						۱۹/۶			کارکنان فامیلی بدون مزد
	۲/۳		۲/۶						۰/۰			نامشخص
	۱۰۰/۰	۳۱/۷	۱۰۰/۰	۳۰/۷				۲۵/۳	۱۰۰/۰	۳۴/۲		صنعت
	۸/۹		۴/۷						۲/۳			کارفرمایان
	۲۷/۳		۲۵/۱						۱۳/۵			کارکنان مستقل
	۵۹/۷		۶۱/۴						۷۰/۳			مزد و حقوق بگیران
۴۶/۴			۴۳/۳						۶۱/۲			بخش خصوصی
۱۳/۳			۱۸/۰						۹/۱			بخش دولتی
	۲/۲		۵/۶						۱۳/۸			کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱/۹		۳/۳						۰/۱			نامشخص
	۱۰۰/۰	۴۷/۹	۱۰۰/۰	۴۴/۵				۴۲/۵	۱۰۰/۰	۳۰/۹		خدمات
	۶/۴		۲/۸						۲/۸			کارفرمایان
	۳۱/۷		۲۸/۳						۲۵/۴			کارکنان مستقل
	۵۹/۵		۶۴/۸						۷۱/۱			مزد و حقوق بگیران
۱۸/۸			۱۳/۸						۲۱/۳			بخش خصوصی
۴۰/۷			۵۱/۰						۴۹/۷			بخش دولتی
	۰/۷		۰/۷						۰/۶			کارکنان فامیلی بدون مزد
	۱/۶		۳/۳						۰/۱			نامشخص
	۱۰۰/۰	۲/۴	۱۰۰/۰	۱/۸				۳/۳	۱۰۰/۰	۰/۹		نامشخص و اظهار نشده
	۲۰/۲		۴/۲						۲/۷			کارفرمایان
	۲۰/۴		۲۲/۶						۵/۳			کارکنان مستقل
	۵۱/۲		۶۳/۳						۴۵/۳			مزد و حقوق بگیران
۲۹/۹			۲۹/۶						۳۶/۰			بخش خصوصی
۲۱/۳			۳۳/۷						۹/۳			بخش دولتی
	۴/۴		۴/۶						۱/۳			کارکنان فامیلی بدون مزد
	۳/۹		۵/۲						۴۵/۳			نامشخص

رقمهای مربوط به زیرگروهها در سال ۱۳۶۵ بعدا در جدول وارد خواهند شد.